زندگی قدس

یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۷
۱۲ اگوست ۲۰۱۸
۲۹ ذی‌القعده ۱۴۳۹
سال سی و یکم
شماره ۸۷۵۶
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگو با احمد یوسف‌زاده
نویسنده دو کتاب «آن بیست و سه نفر» و «اردوگاه اطفال»

حماسه ۱۷ ساله‌های جنگ

۱۴

دو کلمه «حرف حساب» با کیاداوود اسفندیاری
مجری برنامه اقتصادی «پایش»

قانون از افشاکنندگان فساد حمایت نمی کند

۱۵

قدس ابعاد سیاسی و فرهنگی دوران امامت نهمین امام را
در گفت‌وگو با اساتید حوزه و دانشگاه بررسی می کند

جوادالائمه علیه‌السلام؛ الگوی سازمانی شیعه

۱۱

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

دراجرای مادهٔ ۲۰۸ قانون مالیاتهـای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بدینوسیله آگهی اوراق مالیاتی با مشخصـات زیربه مؤدیان نامبرده ابلاغ می گردد تا در زمان و مکان تعیین شده مراجعه و نسبت به رفع اختلاف احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند ، بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد .

ردیف	کلاسه	نام مودی	سال عملکرد	شماره و تاریخ برگ	نوع برگ	منبع مالیاتی	مبلغ مالیات به ریال	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۱	۱۰۹۷۳/۰۰۰	حسین رستگار	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۵۰۷	تشخیص	مشاغل	۶۴,۰۰۰,۸۷۶	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲	۱۹۳۰۱۱/۳۰۲	آهن آلات شرق ایران	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۵۰۶	تشخیص	مشاغل	۳,۹۱۹,۲۹۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳	۱۹۳۰۱۱/۲۱۸	یوسفی مشهد	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۵۱۱	تشخیص	مشاغل	۷۴,۶۰۶,۵۸۶	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴	۱۹۳۰۱۱/۰۱۷	علی میرشکار	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۵۱۳	تشخیص	مشاغل	۳۱۸,۱۳۳,۵۲۵	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵	۱۹۳۰۱۱/۰۱۷	علی میرشکار	۱۳۹۲	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۵۱۴	تشخیص	مشاغل	۳۶۳,۹۷۱,۵۶۸	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶	۱۹۳۰۱۱/۱۳۹	یزدان پناه	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۵۰۹	تشخیص	مشاغل	۴۷,۱۵۷,۰۲۶	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷	۱۹۳۰۱۱/۰۱۳	مسعود منفردی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۹۶	تشخیص	مشاغل	۲۲,۶۴۷,۶۳۲	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۸	۱۰۲۹۱/۰۰۵	علیرضا بیات	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۹۸	تشخیص	مشاغل	۱,۱۸۸,۹۲۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۹	۱۹۳۰۱۱/۱۴۳	محسن برنایی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۳۸۴	تشخیص	مشاغل	۵,۱۸۰,۷۱۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۰	۱۹۳۰۱۱/۰۸۲	هادی ضیایی مشهد	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۳۸۶	تشخیص	مشاغل	۲,۰۹۳,۸۸۹	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۱	۱۹۳۰۱۱/۱۳۶	هادی ضیایی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۳۸۳	تشخیص	مشاغل	۱۴,۰۸۶,۱۲۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۲	۱۹۳۰۱۱/۲۴۴	شالچی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۱۷۷	تشخیص	مشاغل	۱۱,۵۱۷,۲۸۷	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۳	۱۹۳۰۱۱/۳۰۱	محمد علی حسینی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۱۷۹	تشخیص	مشاغل	۱۰,۶۷۶,۷۲۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۴	۱۹۳۰۱۱/۳۷۶	خبازاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۱۸۲	تشخیص	مشاغل	۱۲,۶۶۸,۴۵۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۵	۱۰۳۸۹/۰۰۱	ارش حمزه زاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۳۲۶	تشخیص	مشاغل	۱۲,۰۵۴,۰۰۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۶	۱۰۷۶۷/۰۰۱	روح الله طبسی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۱۲۱	تشخیص	مشاغل	۳,۰۱۷,۰۰۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۷	۱۹۳۰۱۱/۱۳۷	ابراهیم احمدی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۵۴۵	تشخیص	مشاغل	۲۷,۳۲۴,۵۴۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۸	۱۹۳۰۱۱/۲۱۶	محمد بختیاری	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۵۴۶	تشخیص	مشاغل	۸,۰۱۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۱۹	۱۹۳۰۱۱/۲۲۰	رمضانعلی رنوقی فرد	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۵۴۷	تشخیص	مشاغل	۲۱۵,۰۵۶	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۰	۱۹۳۰۱۱/۲۰۸	انبار صباغها	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۵۳۲	تشخیص	مشاغل	۳,۹۶۴,۴۶۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۱	۱۹۳۰۱۱/۱۰۹	باورزاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۵۳۰	تشخیص	مشاغل	۲,۹۶۵,۸۰۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۲	۱۹۳۰۱۱/۱۱۴	انوشیروانی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۵۳۱	تشخیص	مشاغل	۳,۲۳۷,۴۵۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۳	۱۹۳۰۱۱/۱۰۲	محمد جعفری	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۵۲۳	تشخیص	مشاغل	۳,۱۵۴,۴۹۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۴	۱۹۳۰۱۱/۰۹۷	دلبری	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۴۳۱	تشخیص	مشاغل	۲۲۹,۴۸۱,۲۳۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۵	۸۰۰۰۰/۰۰۸	مجید محبی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۱۰۳	تشخیص	مشاغل	۲,۹۰۳,۸۶۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۶	۱۹۳۰۱۱/۳۰۳	رجب دهقان نیری	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۱۹۳۰۱۱/۳۰۳	تشخیص	مشاغل	۱۷,۶۴۹,۰۰۴	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۷	۱۹۳۰۱۱/۳۷۵	مجید محبی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۳۱۲۰	تشخیص	مشاغل	۴,۹۰۳,۸۶۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۸	۱۹۳۰۱۱/۰۸۸	جلال شرافتی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۳۸۸	تشخیص	مشاغل	۱۳,۶۷۹,۹۱۷	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۲۹	۱۹۳۰۱۱/۱۰۴	سعید تقوایی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۳۹۲	تشخیص	مشاغل	۳,۱۱۵,۷۳۵	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۰	۱۹۳۰۱۱/۰۷۳	مجتبی زارع	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۳۹۳	تشخیص	مشاغل	۱۹,۱۰۳,۸۴۹	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۱	۱۹۳۰۱۱/۰۸۵	علی اکبر شیخ علیزاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۳۹۶	تشخیص	مشاغل	۱۳,۱۶۱,۸۸۷	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۲	۱۹۳۰۱۱/۱۰۳	حامد توکلی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۰۰	تشخیص	مشاغل	۱۶,۴۱۸,۷۱۷	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۳	۱۹۳۰۱۱/۱۰۰	بهنام حقیقت	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۰۱	تشخیص	مشاغل	۴,۳۶۹,۱۶۴	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۴	۱۹۳۰۱۱/۱۲۰	محمد امید	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۰۲	تشخیص	مشاغل	۴,۲۷۷,۹۶۹	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۵	۱۹۳۰۱۱/۱۴۱	میثم مکرم دوست	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۰۴	تشخیص	مشاغل	۱۵,۶۴۸,۵۱۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۶	۱۹۳۰۱۱/۱۱۹	هومن صدیقی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۰۷	تشخیص	مشاغل	۱۳,۵۶۰,۰۰۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۷	۱۹۳۰۱۱/۰۹۰	علی سلیمانی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۱۰	تشخیص	مشاغل	۳,۶۹۰,۰۲۲	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۸	۱۹۳۰۱۱/۱۴۵	عباس روشندل	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۱۲	تشخیص	مشاغل	۱۰,۹۵۰,۱۳۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۳۹	۱۹۳۰۱۱/۰۶۴	غلامحسین میرزایی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۱۹۳۰۱۱/۰۶۴	تشخیص	مشاغل	۲,۸۳۴,۱۰۸	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۰	۱۹۳۰۱۱/۰۶۵	حسام مهرابی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۱۵	تشخیص	مشاغل	۲,۹۰۳,۸۶۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۱	۱۹۳۰۱۱/۰۸۳	حسین عقیقی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۱۷	تشخیص	مشاغل	۳,۷۹۲,۸۶۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۲	۱۹۳۰۱۱/۰۵۸	محمد ابراهیم وفائیان	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۰	تشخیص	مشاغل	۲۵,۱۷۵,۰۱۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۳	۱۹۳۰۱۱/۰۸۰	عباسعلی عرب	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۱	تشخیص	مشاغل	۱۴,۱۳۰,۶۰۲	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۴	۱۹۳۰۱۱/۱۳۳	مرتضی انصاری نیا	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۲	تشخیص	مشاغل	۳,۱۷۸,۲۰۹	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۵	۱۹۳۰۱۱/۱۳۱	مهدی واحدی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۴	تشخیص	مشاغل	۳,۶۴۰,۱۵۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۶	۱۹۳۰۱۱/۰۹۵	محمد رضایی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۵	تشخیص	مشاغل	۳,۷۹۶,۹۸۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۷	۱۹۳۰۱۱/۱۴۲	زنجیری	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۶	تشخیص	مشاغل	۱۲,۱۹۹,۴۸۴	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۸	۱۹۳۰۱۱/۰۷۹	قاسم علیزاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۷	تشخیص	مشاغل	۵,۱۶۵,۰۷۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۴۹	۱۹۳۰۱۱/۱۱۵	علی نژاد	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۲۸	تشخیص	مشاغل	۳,۵۰۰,۸۱۷	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۰	۱۹۳۰۱۱/۰۶۰	محمد هاشم زاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۱۹۳۰۱۱/۰۶۰	تشخیص	مشاغل	۴,۳۴۳,۱۵۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۱	۱۹۳۰۱۱/۰۵۲	ادریس ربانی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۱۹۳۰۱۱/۰۵۲	تشخیص	مشاغل	۱۷,۵۸۲,۸۶۴	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۲	۱۹۳۰۱۱/۱۲۵	عمرانیان شیراز	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۳۲	تشخیص	مشاغل	۱۵,۵۷۵,۳۰۶	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۳	۱۹۳۰۱۱/۱۰۷	سید مهدی حسینی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۳۷	تشخیص	مشاغل	۱۴,۷۷۶,۶۶۹	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۴	۱۹۳۰۱۱/۱۱۶	آهن آلات حسینی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۳۸	تشخیص	مشاغل	۳,۶۷۷,۸۷۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۵	۱۹۳۰۱۱/۰۳۹	امیر عباس زاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۱۹۳۰۱۱/۰۳۹	تشخیص	مشاغل	۱۷,۱۳۳,۴۹۶	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۶	۱۹۳۰۱۱/۱۱۱	مهدی اسفندیاری	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۴۴	تشخیص	مشاغل	۱۶,۳۸۱,۴۳۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۷	۱۹۳۰۱۱/۰۶۸	محسن عروی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۴۶	تشخیص	مشاغل	۱۳,۹۲۲,۳۶۵	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۸	۱۹۳۰۱۱/۲۱۹	جبار	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۴۸	تشخیص	مشاغل	۳,۳۲۶,۰۳۹	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۵۹	۱۹۳۰۱۱/۱۲۹	مرتضی انصاری نیا	۱۳۹۲	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۵۲	تشخیص	مشاغل	۴,۲۳۰,۴۱۴	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۰	۱۹۳۰۱۱/۱۲۹	مرتضی انصاری نیا	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۵۰	تشخیص	مشاغل	۲,۸۳۱,۴۲۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۱	۱۹۳۰۱۱/۰۹۹	حمید خاکزاد	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۵۵	تشخیص	مشاغل	۱۲,۸۸۸,۲۸۵	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۲	۱۹۳۰۱۱/۱۱۲	ابراهیم احمدی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۵۷	تشخیص	مشاغل	۱۲,۲۶۹,۴۴۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۳	۱۹۳۰۱۱/۰۹۱	حسن سروقدی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۶۲	تشخیص	مشاغل	۳,۲۲۸,۴۸۲	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۴	۱۹۳۰۱۱/۶۲۲	جلالیان	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۶۴	تشخیص	مشاغل	۲,۷۶۱,۴۴۶	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۵	۱۹۳۰۱۱/۶۱۵	علی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۶۶	تشخیص	مشاغل	۸,۲۶۵,۸۲۵	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۶	۱۹۳۰۱۱/۶۱۲	امیر همایونی	۱۳۹۲	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۶۸	تشخیص	مشاغل	۲,۸۹۷,۷۹۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۷	۱۹۳۰۱۱/۱۲۸	حسین نیستانی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۶۹	تشخیص	مشاغل	۳۱,۸۰۶,۵۷۸	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۸	۱۹۳۰۱۱/۶۱۳	آهن آلات رضایی نژاد	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۷۲	تشخیص	مشاغل	۲,۸۴۳,۱۴۸	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۶۹	۱۹۳۰۱۱/۶۲۱	عبدالله صادقی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۷۴	تشخیص	مشاغل	۳,۳۶۱,۰۵۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۰	۱۹۳۰۱۱/۶۳۳	پوریان	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۷۸	تشخیص	مشاغل	۱۱,۶۶۶,۱۵۹	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۱	۱۹۳۰۱۱/۶۳۴	علیزاده	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۸۲	تشخیص	مشاغل	۳,۶۰۸,۳۸۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۲	۱۹۳۰۱۱/۲۰۹	بیضایی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۸۴	تشخیص	مشاغل	۳,۴۸۹,۷۵۴	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۳	۱۹۳۰۱۱/۰۹۸	محسن کریمی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۸۶	تشخیص	مشاغل	۱۶,۶۵۹,۳۸۵	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۴	۱۹۳۰۱۱/۰۵۷	امیر کبیری	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۸۸	تشخیص	مشاغل	۵,۱۶۹,۱۴۳	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۵	۱۹۳۰۱۱/۶۱۴	Pos - آهن	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۸۹	تشخیص	مشاغل	۴,۱۱۳,۷۴۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۶	۱۹۳۰۱۱/۲۳۰	مهر	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۹۱	تشخیص	مشاغل	۴,۵۱۷,۹۳۰	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۷	۱۹۳۰۱۱/۰۱۳	مسعود منفردی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۹۴	تشخیص	مشاغل	۲۹,۹۱۴,۱۴۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۸	۱۹۳۰۱۱/۰۱۳	مسعود منفردی	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۳۱-۹۲۴۹۵	تشخیص	مشاغل	۵۱,۵۴۱,۳۰۱	سی روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۷۹	۸۰۰۰/۰۰۴	سید جلیل کیش بافان	۱۳۹۰	۱۳۹۷/۰۲/۱۸-۲۶۵۱۹	رای	مشاغل	۹۴۴,۹۸۵,۰۰۰	۲۰ روز از تاریخ درج در روزنامه	قاسم آباد میدان مادر واحد مالیاتی ۱۹۳۰۱۱
۸۰	۱۱۲۸	شرکت تاسیساتی و ساختمانی طوس	۱۳۹۰	۴۱۹۰۲ ۱۳۹۷/۰۳/۱۲	رای هیات	اشخاص حقوقی	۲۲,۰۰۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر

روابط عمـومی اداره کل امور مالـیاتی خراسـان رضوی

روایتی درباره زینب نوروزی که هنر سوزن‌دوزی را از معروف‌ترین زن هنرمند بلوچ به یادگار دارد

میراث‌دارِ «مهتاب»

مردم | زینب نوروزی نمونه تمام و کمال یک زن بلوچ است، آرام، مظلوم و سرشار از هنر بی‌مانندی که همه وسیله‌اش یک نخ و سوزن و تکه‌ای پارچه است. او را بیش از هر چیز به نام عمه‌اش می‌شناسند. حق هم همین است؛ چرا که او ۹ ساله بوده که عمه‌اش مهتاب، مشهورترین سوزن‌دوز بلوچ، سوزن و پارچه به دستش داده تا تمام آنچه از هنر زنان بلوچ بر جای مانده را بر پارچه نقش کند. او در روستای قاسم‌آباد زندگی می‌کند؛ روستایی در هفت کیلومتری بمپور بلوچستان که بیش از هر چیزی می‌تواند لقب «بی‌آب و علف» را به آن پیوست کرد؛ سرزمینی خشک اما به تعبیر زینب نوروزی با «خاکی گیرا» که ده‌ها زن هنرمند همچون او را در خود جای داده.

زینب نوروزی، امروز همچون عمه‌اش مهتاب، سوزن‌دوز ماهر و با تجربه‌ای است. او علاوه بر این نخستین دختر قاسم‌آبادی بوده که به شهر رفته و در دانشگاه درس خوانده، خودش در این‌باره می‌گوید: «من اولین دختر در روستایمان بودم که دانشگاه قبول شدم. وضع مالی ما، نه خوب بود و نه بد. کل حساب بانکی من، آن زمان ۶۰ هزارتومان بود، اما مهتاب از من حمایت کرد. خاطرم هست وقتی برای ثبت‌نام با مهتاب به دانشگاه رفتیم، آن قدر کار اداری ما طول کشید که داشتم پشیمان می‌شدم و مرتب به مهتاب می‌گفتم: بیا برویم؛ من نمی‌خواهم بیایم اینجا درس بخوانم. او هم عصبانی شد و گفت: درس نخوانی که چه کنی؟ که راه مرا ادامه بدهی؟ راه من را هرموقع که بخواهی می‌توانی ادامه دهی، اما الان باید درس بخوانی.»

زینب به دانشگاه می‌رود و درس می‌خواند. سال ۱۳۸۳، درس و دانشگاه به پایان می‌رسد و برادرزاده مشهورترین سوزن‌دوز بلوچ به روستایشان برمی‌گردد و می‌بیند که قاسم آباد، جولانگاه دلالان شده است. زینب هم، مادر خود را از دست داده و دل و دماغ کار کردن ندارد. سه سال زمان می‌برد تا او خود را جمع و جور کند و به این نتیجه برسد که باید کاری بکند تا بیش از این زنان و دختران سوزن‌دوز بلوچ از سوی دلالان استثمار نشوند و به حق خود برسند. پاییز سال ۱۳۸۶، فرهنگستان هنر از مهتاب دعوت و از او قدردانی می‌کند؛ زینب هم در سفر به تهران و حضور در همایشی که به همت فرهنگستان هنر ترتیب داده شده، عمه خود را همراهی می‌کند و برخورد مسئولان وقت فرهنگستان موجب می‌شود که زینب در تصمیم خود مصمم‌تر شود و زنان و دختران روستا را جمع کند و از آنان بخواهد تا هنر خود را جدی بگیرند و از حق خود دفاع کنند. نتیجه اینکه امروز زینب، زمینی را که از عمه‌اش مهتاب به یادگار مانده، به کتابخانه تبدیل کرده و یک اتاق از این فضای کوچک، حکم آموزشگاه را دارد تا او کلی زن و دختر بلوچ را دور خود جمع کند و به آن‌ها سوزن‌دوزی یاد بدهد. غیر از این او گهگاه به تهران می‌آید و دوخته‌های زنان بلوچ را برای نمایش و فروش همراه خود می‌آورد.

زندگی بعد از مهتاب

مهتاب، پیرزن بلوچی که حامی و تمام زندگی زینب بود، سال ۹۱ از دنیا رفت. اما این زینب بود که نگذاشت میراث نسل به نسل زنان و دختران بلوچ از بین برود. زینب از ته قلبش عاشق روستا و مردمانش است. هیچ وقت به زندگی بیرون از قاسم آباد بمپور فکر نکرده است. وقتی از زندگی در آنجا حرف می‌زند، پوزخندی می‌زند و با لحن خاصی که انگار در ته ذهنش تصور می‌کند که هیچ شهرنشینی حسی که من به روستایم دارم را نخواهد فهمید، می‌گوید: «موقعیت زندگی در شهرهای دیگر را داشتم، اما دوست ندارم از اینجا بروم. من عاشق روستای خودم هستم. هیچ کسی نمی‌تواند اینجا دوام بیاورد. همه می‌گویند اینجا همه‌اش گرد و خاک است، امکاناتی ندارد ولی من دلم به آب و خاک اینجا بسته است. تمام وجودم ریشه در خاک بمپور دارد.»

حامی زنان بلوچ

زینب در قاسم‌آباد بمپور به دنیا آمده و بزرگ شده، همین‌جا کنار دست عمه‌اش سوزن‌دوزی یاد گرفته است و همین‌جا هم برای زنان روستایش کار درست کرده است. قاسم آباد روستایی کوچک است، در دل سیستان و بلوچستان، نزدیک به ایرانشهر. زینب می‌گوید: «اینجا در تمام سال‌های زندگی‌ام تغییر زیادی نکرده. چیزی ندارد. چند وقتی است که راه روستا را درست کرده‌اند. اینجا سوت و کور است، اما من همین سکوت را دوست دارم.»

فروتنی خاصی در صدایش دارد، آرام و با وقار حرف می‌زند. تمام همّ و غمش زنان بلوچ است. می‌گوید: «آرزویی ندارم جز اینکه کاری کنم که سوزن‌دوزی بلوچی فراموش نشود.» این همان آرزویی است که ۱۰ سال پیش که نخستین گام را برای احیای سوزن‌دوزی برداشت، با خود داشت: «زنان بلوچ بسیارزحمت کش هستند، اگر بیمه و کار آن‌ها را درست کنم، انگار به همه چیز رسیده‌ام. سبک می‌شوم و دیگر آرزویی نخواهم داشت.»

> **برش**
>
> دختر سوزن‌دوزی که پا به پای عمه‌اش سوزن‌دوزی می‌کرد و به قصه‌ها و خاطرات شیرین او گوش می‌داد، حالا کارش را گسترش داده و ۱۵۰ زن زیر دستش کار می‌کنند. کارش را تنها با ۳۵ نفر شروع کرد، اما امید دارد که این تعداد را بتواند به بیش از ۲۰۰ نفر برساند

کارگاه ۱۵۰نفری

دختر سوزن‌دوزی که پا به پای عمه‌اش سوزن‌دوزی می‌کرد و به قصه‌ها و خاطرات شیرین او گوش می‌داد، حالا کارش را گسترش داده و ۱۵۰ زن زیر دستش کار می‌کنند. کارش را تنها با ۳۵ نفر شروع کرد، اما امید دارد که این تعداد را بتواند به بیش از ۲۰۰ نفر برساند. زینب می‌گوید، زنان بلوچ از کودکی شروع به سوزن‌دوزی می‌کنند و تا آن روزی که سوی چشمانشان نرفته باشد و کمردرد و دست درد به سراغ‌شان نیامده باشد، روز و شب کار می‌کنند. او می‌گوید، در میان زنانی که همراه او کار می‌کنند حتی زنان ۷۰ یا ۸۰ ساله‌ای هستند که هنوز توان کار کردن دارند و با عشق سوزن را به تار و پود پارچه فرو می‌کنند.

او پارچه و نخ را از بازار می‌خرد و به یک یک زنان تحویل می‌دهد. زنان هم لابه لای کارهای خانه شب‌ها زیر نور چراغی کوچک و حتی در کوچک‌ترین زمانی که میان کارهای روزانه پیدا کنند، سوزن به دست می‌گیرند و برجان پارچه می‌زنند. او می‌گوید: «قدیم‌ترها پارچه‌ها ایرانی بود در همین سیستان نخ می‌ریسیدند و رنگ می‌کردند و پارچه می‌بافتند. پارچه‌ها همه از الیاف طبیعی بود، اما الان پارچه‌ها را از جای دیگری می‌آورند و نخ‌ها هم از پاکستان می‌آید. نخ‌ها دیگر طبیعی و ابریشمی نیست، الیاف دارند اما با این حال تنها مواد موجود در بازار همین‌هاست.»

سوزن دوزهایی که حمایت نمی‌شوند

یکی از مشکلات اساسی سوزن‌دوزها، آن‌گونه که زینب نوروزی می‌گوید تهیه مواد اولیه است: «هم پارچه گران است و هم نخ. رنگ‌های طبیعی، جای خود را به رنگ‌های شیمیایی داده‌اند. روزگاری سوزن‌دوزها به زاهدان می‌رفتند و از اداره میراث فرهنگی زاهدان، پارچه می‌گرفتند؛ حالا همه آن پارچه‌ها در انبار تلنبار شده و خاک می‌خورد اما کسی نیست تا آن‌ها را در اختیار زنان سیستان و بلوچستان بگذارد تا هم برای آن‌ها کارآفرینی کند هم از فقر و نداری‌شان بکاهد.»

دهِ بدون کدخدا

البته همه چیز در تهیه مواد اولیه خلاصه نمی‌شود. زینب، گلایه‌های خود را این‌گونه ادامه می‌دهد: «ده بدون کدخدا دیده‌ای؟ سوزن‌دوزی، بی کدخدا باقی مانده؛ امروز، هر که از راه رسیده، شروع به سوزن‌دوزی کرده، بی آن‌که بداند شیوه‌های اصیل و سنتی سوزن‌دوزی کدام است. دلالان، نه تنها بازار که تولید و دوخت را هم در دست گرفته‌اند.» از زینب درباره کارهای ماشینی می‌پرسی که از افغانستان و پاکستان می‌آیند و مدت‌هاست بازار سیستان و بلوچستان را پر کرده‌اند و او در پاسخ می‌گوید: «واقعیت این است که همه زنان نمی‌توانند، لباسی بدوزند که در آن از نقش‌های اصیل استفاده شده و دست‌دوز است. بی‌شک، کسانی که توان مالی چندانی ندارند به سمت کارهای ماشینی می‌روند و هیچ‌کدام از این کارها، رقیب سوزن‌دوزی‌های دستی نیستند آنچه ما را آزار می‌دهد وجود کارهای دست‌دوز زنان افغان با کیفیت و قیمت پایین و ظاهر فریبنده است.»

آرزوی زینب فراموش نشدن است

بزرگ‌ترین آرزوی زینب نوروزی این است که هیچ‌وقت، یک زن بلوچ که عمر و چشمش را پای سوزن‌دوزی می‌گذارد، فراموش نشود و این انگیزه و اشتیاق در نسل‌های بعد هم وجود داشته باشد. او دلش می‌خواهد کودکان و نوجوانان بلوچ، سوزن‌دوزی بیاموزند و آن‌قدر درآمدی که از راه این هنر به‌دست می‌آورند خوب باشد که حتی از ذهنشان نگذرد سوزن‌دوزی را کنار بگذارند. زینب دلش می‌خواهد روستای کوچکش، قاسم آباد که زادگاه مشهورترین سوزن‌دوز بلوچ هم بوده به پایتخت سوزن‌دوزی کشور تبدیل شود و مردمش، شرایط بهتری داشته باشند.

در حاشیه

سوزن به‌دست‌های قاسم آباد

سعید برآبادی / هنوز صبح نرسیده که زینب نوروزی از خانه بیرون می‌زند. کجا؟ «می‌روم کتابخانه مهتاب. این کار هر روزم است. از بچگی دوست داشتم وسط کتاب‌ها باشم و چند سال پیش بالاخره خدا این آرزو را برآورده کرد.»

در همین مسیر رفتن است که به کار روزانه فکر می‌کند. اندکی از صبح نگذشته، دختران مهتاب به کارگاه سوزن‌دوزی‌شان می‌آیند. کجا؟ خانه‌ای در دهِ قاسم‌آباد بمپور، جایی که به زور روی نقشه دیده می‌شود، اما آوازه‌اش را همین دختران و مادرِ معنوی‌شان یعنی مهتاب به چهارگوشه دنیا برده است: «من سوزن‌دوزی را از سوم ابتدایی شروع کردم پیش عمه‌ام و شانس آوردم اینجا این کار را یاد گرفتم، چون عمه‌ام، مهتاب نوروزی، یکی از بهترین سوزن‌دوزهای بلوچ بود.» هنوز هم هست. خیلی‌ها در ایران و دنیا، سوزن‌دوزی بلوچ را تا دیروز با نام مهتاب سوزن‌دوز و این روزها با نام زینب نوروزی و کارگاهش می‌شناسند؛ دخترِ جوانی که در سینه، رازِ یکی از قدیمی‌ترین صنایع‌دستی ایران را می‌داند و نگذاشته چون آواهای موسیقی مقامی قومش به زیر خروارها خاک برود، چون از آن راهی ساخته برای کار و کارآفرینی و تپیدنِ نبض این هنر.

نشستن پای پارچه

کلید در، درِ کتابخانه می‌چرخد و بوی کتاب‌ها او را در بر می‌گیرند. خاطرات گذشته، هر روز همین‌طور برای زینب تازه می‌شوند: «آن روزها، مهتاب فقط فامیل من نبود، همه کسم بود. حرف‌هایش خیلی رویم تأثیر داشت. مدام می‌گفت اگر من نباشم می‌خواهی چه کار کنی و یک‌جوری داشت من را آماده می‌کرد برای این که روی پای خودم بایستم. حمایت پدرم هم بود. از این دو نفر یاد گرفتم باید کاری کنم.»

جایگاه سوزن‌دوزی بلوچ کجاست؟

زینب از همان روزها دستش را برای کاری بزرگ گرم کرد؛ سر پا نگه داشتن هنر اصیل سوزن‌دوزی بلوچ و آموزش آن برای بقا و استمرار این حرفه: «وقتی مسئولان، فلان سفال تاریخی استان را به عنوان بهترین نمونه سفال کشور معرفی می‌کنند، اما سوزن‌دوزی بلوچ به عنوان بهترین سوزن‌دوزی معرفی نمی‌شود، یعنی ما هنوز کار داریم، باید به جای آن‌ها، خودمان به این هنر اهمیت بدهیم و نگذاریم با کپی کاری و مدل‌های تقلبی، جایگاه کار اجدادمان نادیده گرفته شود.»

مهتاب نوروزی، مشهورترین سوزن‌دوز بلوچ، سال ۹۱ درگذشت

هیچ توقعی برای حمایت نداریم

زینب از مشقت‌های کار می‌گوید، از این که وقتی نخواهی تن به دلال و افغانی دوزی بدهی، چه راه سختی را پیش گرفته‌ای: «برایم فرقی نمی‌کند مخاطبم که باشد، رقیب باشد یا همکار، سوزن‌دوز باشد یا فروشنده. حرفم این است که سوزن‌دوزی باید به شکل اصیلش دوخته و فروخته شود، اما آن‌ها باز کار خودشان را می‌کنند. بروید بازار زاهدان را ببینید. بروید، هدیه‌ای که به وزیر داده شده را ببینید. از متخصصان پرس‌وجو کنید، آن موقع متوجه می‌شوید چقدر وضع نگران کننده است و متأسفانه هیچ حمایتی هم نیست.» می‌پرسم مگر از کسی توقع حمایت دارد؟ جوابش مثل دختران بلوچ، دندان شکن است: «هیچ توقعی برای حمایت نداریم و همین قدر که کارشکنی نکنند، خوب است. ما خودمانیم و خودمان.» آفتاب در قاسم‌آباد غروب کرده و هرم گرما هنوز ادامه دارد. زینب هنوز مشغول کار است.

مهتاب سوزن‌دوز که بود؟

با این که زینب نوروزی ۱۰ سالی می‌شود مستقل از مهتاب نوروزی مشغول فعالیت در حوزه سوزن‌دوزی است، اما یادِ آن زن در خلال گفت‌وگو مدام زنده می‌شود. مهتاب، بانوی سوزن‌دوزی ایران بود؛ زنی که سال ۹۱ و درست زمانی که بتازگی آفتاب لطف سازمان میراث‌فرهنگی بر او تابیده بود و به‌یمن زحمت روزنامه‌نگاران، دفترچه بیمه‌ای دریافت کرده بود، غروب کرد. از آن زمان زینب، عنان کار سوزن‌دوزی بلوچ‌ها را در جنوب‌شرقی کشور به‌دست گرفت و یک‌تنه به جنگ مشکلات و بروکراسی حاکم بر سازمان رفت و حالا خود به‌تنهایی به عرضه هنر سوزن‌دوزی خود و شاگردانش در قالب دختران مهتاب پرداخته است. برای آن‌ها که خاصه از پیگیران صنایع‌دستی کشور هستند، اما مهتاب یک نامِ کاملاً آشناست؛ هنرمندی که از دورترین و محروم‌ترین روستای کشور، صدای هنری زنانه، سنتی و در عین حال تأثیرگذار را به گوش دربار پهلوی رساند و بعدها در دولت‌های پس از انقلاب، توانست تصویرِ این هنر در حال احتضار را به گوش فرهنگستان هنر برساند.

روایت

روایت برگزاری یک جشن تولد جمع‌وجور برای یکی از کودکان حاشیه شهر

جشن تولدی زیر سایه درخت

عباسعلی سپاهی یونسی / دوستانمان معرفی‌شان کرده بودند. با تعدادی از دوستانم از گروه «کارای خوب» رفتیم و زندگی زن را دیدیم با ۸ بچه قد و نیم قد که بزرگ‌ترینشان ۱۳ ساله بود و کوچک‌ترینشان در آغوش مادرش. برایشان مواد غذایی و کولر برده بودیم تا از گرمای تابستان در امان بمانند. همان روزهایی بود که قرار بود برای یکی از بچه‌های پایین شهر تولد بگیریم و آن روز وقتی شناسنامه‌های بچه‌های زن را به بهانه‌ای نگاه می‌کردم، چشمم افتاد به تولد یکی از بچه‌ها که یک هفته دیگر بود. مادرش با دست او را نشانم داد و همان جا بود که فهمیدم مریض هم هست. وقتی دیدم او مریض است، در تصمیمم جدی‌تر شدم.

کادویی برای همه بچه‌ها

چند روز بعد به چند نفری از دوستانم اعلام کردم و قرارمان شد ساعت ۵ عصر روز بعد. صبح روز قرار، سفارش کیکی برای ۲۰ نفر را دادم و وسایل مورد نیاز برای جشن تولد زهرا را خریداری کردیم. برای زهرا باید کادویی می‌خریدیم، اما نمی‌شد برای بقیه خواهرهایش و تنها برادر کوچولوی او چیزی نخرید. برای همین هدیه‌هایی خریداری شد؛ عروسک، ماشین، خرس، جامدادی و... و دوستانم هم چیزهایی مثل کتاب و دفتر نقاشی و این جور چیزها آورده بودند. در مسیر راه با دوستی که نزدیک خانه زن بود و آشنای آن‌ها، تماس گرفتیم تا دخترک را از خانه برای دقایقی بیرون ببرد و نیم ساعت بعد ما در کوچه‌ای تنگ و دراز روبه‌روی دری آبی رنگ و البته رنگ و رو رفته بودیم. در که باز شد، مادر زهرا با بقیه بچه‌هایش و زن همسایه با دو بچه‌اش نشسته بودند در سایه درخت توت حیاط.

جشن تولدی زیر سایه درخت توت

«یا الله»ی گفتیم و وارد شدیم با دست‌هایی پر از کادو، کیک، شمع و... و زن و بچه‌هایش ماتشان برده بود. تازه فهمیده بودند چه شده است. سریع میز کوچکی آوردند و کیک را گذاشتیم روی میز و بادکنک‌ها باد شد، شمع‌ها چیده شد روی کیک و همه چیز آماده آمدن دخترک بود که حالا داشت به سمت خانه می‌آمد و از همه جا بی‌خبر بود. در که زدند، خواهرش در را برایش باز کرد. وقتی زهرا ما و کیک و چند کادو روی میز را دید، ماتش برد. انگار تا آن روز کسی برایش تولدی نگرفته بود تا بداند چه باید بکند. شاید تنها در فیلم‌ها دیده بود. زهرا با چشمانی متحیر به ما نگاه می‌کرد و به کیک و کادوها. دست‌آخر هم با راهنمایی دوستانم رفت و پشت میز نشست. برایش کف زدیم تا از تعجب و تحیر بیرون بیاید.

یکی از دوستان خوش ذوقم برای تولد زهرا کوچولو ساز دهنی زد و بعد نوبت دادن کادوها رسید. چند دقیقه بعد در میان شادی ما و بچه‌ها، همه کادوهای خود را باز کرده بودند و به آن‌ها نگاه می‌کردند. کیک را زهرا برش زد و همه کیک خوردند.

پیمانه‌ای برای سنجش شادی کودکان

در لحظه‌ای که همه شادمان بودند، نگاهم به زهرا کوچولو و خواهرهایش بود که چقدر خوشحال بودند. همه برنامه ما یک ساعتی طول کشید و با تهیه کیک و اسباب بازی‌ها حدود ۱۵۰ هزار تومان هزینه داشت که دوستان مهربان و اهل خیرم آن را پرداخت کردند، اما نمی‌دانیم چه قدر شادی برای بچه‌ها فراهم شد. چون هنوز کسی برای سنجش شادی‌های کودکانه که به کوچک‌ترین چیزها شکل می‌گیرد پیمانه و میزان سنجشی اختراع نکرده است.

بهترین لحظه جشن

مادر بچه‌ها بعد از تمام شدن برنامه جشن تولد با زبانی ساده اما سرشار از قدردانی و مهربانی از تک تک ما تشکر کرد و گفت بیشتر از این که بچه‌هایم خوشحال شده باشند، من خوشحالم که شما به یاد بچه‌های من بودید. این لحظه بهترین لحظه جشن ما بود، مادری را خوشحال کرده بودیم که اگر همسر بی‌مسئولیتش او و چند بچه‌اش را رها کرده و در شهری دیگر با کسی دیگر ازدواج کرده است، اما آدم‌های مهربانی هستند که هوای بچه‌هایش را دارند.

پایان سومین تولد

از خانه زن بیرون آمدیم در حالی که او و بچه‌هایش همچنان از ما تشکر می‌کردند. من و دوستانم چه قدر انرژی گرفته بودیم و چه قدر خوشحال بودیم که توانسته بودیم عصری خاطره‌انگیز را برای زهرا و خانواده‌اش رقم بزنیم. به دوستانم گفتم با کمک خدا و مهربانی شما سومین جشن تولد هم برگزار شد و باز هم خدا کمک کرد که این تولد به طور اتفاقی برای کودکی گرفته شود که مریض است. پس او باز هم کمک می‌کند تا ما برای بچه‌های دیگری هم جشن تولد بگیریم؛ بچه‌هایی که شاید تا حالا هرگز کسی برای آن‌ها کیکی نخریده، تا حالا شمعی را فوت نکرده‌اند و به افتخار آن‌ها هدیه‌ای کادوپیچ نشده است.

دختران قشقایی جواب خواستگاران خود را با بافتن یک قالی می‌دادند

بلهِ هنرمندانه

تا قبل از اینکه شهرنشینی و فرهنگش این‌قدر باب شود، در ایران هر قومیتی فرهنگ مخصوص به خودش را داشت. ناگفته پیداست که این فرهنگ و سبک زندگی به خصوص در زمان‌های خاص بیشتر از همه خودش را نشان می‌دهد؛ زمان‌هایی مانند مراسم تولد، فوت، خواستگاری و عروسی و .... در ایران قدیم به عنوان مثال فرهنگ خواستگاری و عروسی در هر منطقه به گونه‌ای منحصربه‌فرد و با آداب و رسوم خاص همان منطقه برگزار می‌شد؛ فرهنگی که شاید هنوز بتوان در مناطقی از ایران ردپایی از آن را پیدا کرد. این فرهنگ‌ها همه وجوه مراسم خواستگاری و عروسی اعم از شیوه انتخاب، آشنایی خانواده طرفین، شیوه تحقیق، تعیین هدایا، مباحث مطرح شده در مراسم خواستگاری، شیوه جواب‌دادن، تعیین شیربها و مهریه و ... را شامل می‌شود.

در این میان شاید یکی از فرهنگ‌های بسیار متفاوت و البته فراموش شده این مراسم در ایران شیوه پاسخ دادن دختران قشقایی به خانواده داماد است. در گذشته دختران قوم قشقایی در ایران جواب خواستگاران خود را به صورت جالب و هنرمندانه‌ای می‌دادند.

شیوه جالب توجه این دختران به این صورت است که بعد از خواستگاری، برای پاسخ دادن شروع به بافتن یک فرش با نقش شیر می‌کردند. در این قالی اگر جواب دختر بعد از خواستگاری مثبت بود، قالی با نقش شیری که دُمش رو به بالاست، بافته و برای خواستگار فرستاده می‌شد، اما در غیر این صورت دُم پایین شیر در قالی نشان دهنده جواب منفی دختر بود.

قدس ابعاد سیاسی و فرهنگی دوران امامت نهمین امام(ع)را در گفت وگو با اساتید حوزه و دانشگاه بررسی می کند

جواد الائمه(ع)؛ الگوی سازمانی شیعه

نازلی مروت | دوران امامت امام جواد(ع) یکی از پر مخاطره‌تریـــن ادوار حیات ائمه اطهار(ع) است زیرا ایشـــان اولین امامی بود که در تاریخ شیعه در دوران کودکی به امامت منصوب شد و به همین دلیل شـــبهات بسیاری از ناحیه برخی شیعیان منحرف از مســـیر امامت و حتی شیعیان راستین ایجاد شد.

امامت در سن طفولیت ایشان، مقدمه سازی برای امامـــت حضرت ولی عصر(عج) به شـــمار می‌رفت. بنابراین ایشان باید برای ورود شیعه به این شرایط زمینه ســـازی می‌کرد. به علاوه ســـاماندهی شیعه راهکار دیگری است که امام عملاً به جامعه شیعی می‌آموزد تـــا در دوران دوری از امام خویش به آن تمسک جویند و از پراکندگی و تفرقه در امان باشند. گسترش عقل‌گرایی و رویکرد جدی مردم به مباحث عقلانی که در دوره امام رضـــا(ع) نیز بروز و ظهور داشت، زمینه دیگری بود تا جوادالائمه(ع) به تقویت پایه‌های علمی و فکری شیعه بپردازد.

امام جوان

امـــام جواد(ع)، اولین امام از سلســـله امامان جوان شیعه است که پس از شهادت امام رضا(ع) با مسئله شبهات درون گروهی و بیرونی به مناسبت به امامت رسیدن در طفولیت روبه‌رو شد، اما به زعم بسیاری از زعمای شـــیعه، مایه خیر و برکت مضاعف برای شیعه بود.

حجت الاسلام مصطفی صادقی، عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در این زمینه معتقد اســـت: «امام جواد(ع) در سن کودکی به امامت رسید. به همین دلیل بحرانی در دوران امامت ایشان به وجود آمد که در دوران دیگر امامان معصوم(ع) وجود نداشت».

این استاد دانشگاه تصریح می‌کند: « سابقهٔ امامت در سن کم قبل از امام جواد(ع) وجود نداشت. به غیر از امام جواد(ع) که در برخی روایات حتی گفته‌اند که در هفت ســـالگی به امامت رسیدند، امام هادی(ع) نیز در ۹سالگی به مقام امامت، نائل شدند و در واقع این دو امام، مقدمه را برای امام بعدی ایجاد کردند». وی می‌گوید: «البته نباید این را هم از نظر دور داشت که به وجود آمدن چنین شرایطی، تدبیری بود که خداوند آن را ایجاد کـــرد که ائمه‌ای که به آخرین امام معصوم(ع) یعنی امام زمان(عج) از لحاظ زمانی نزدیک‌تر هستند، شرایط شان به گونه‌ای باشد که آمادگی شـــرایط ویژهٔ دوران غیبـــت را در مردم به وجود آورند».

حجت الاســـلام صادقی می‌گوید: «در حضور مردم نبودن امامان معصوم(ع) که در زمان امام جواد(ع) هم تا حدودی وجود داشت، این آمادگی را در مردم ایجـــاد کرد که با نـــوّاب و وکلای امامان(ع) ارتباط برقرار کنند. افزون بر سن کم این دو امام معصوم(ع)، اینکه آنان گاهی در حضور مردم نبودند و به تبع آن، بایستی مردم با نواب و وکلای آن‌ها در ارتباط باشند نیز رفته رفته، مقدمهٔ دوران امام زمان(عج) را برای مردم، فراهم می‌کرد.»

این پژوهشـــگر ادامه می‌دهد: «برخی از محدثان و بزرگان امامیه، از این زمان به دلیل مشـــکلاتی که پیش آمد با عنوان «دوران حیرت» یاد می‌کنند؛ البته دوران دیگری هم که به عنوان «دوران حیرت» از آن یاد می‌شـــود، دوران امام زمان(عج) است، اما زمان امام جواد(ع) را نیز به نوعی می‌توان «دوران حیرت» نامید».

این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: «باید به نسل جوان گفت سن کم امام جواد(ع) دلیل نمی‌شود که ایشان توانایی امامت را نداشته باشد که ما متأسفانه در این زمینه خوب کار نکرده‌ایم و بیشتر روی فضایل ائمه کار کرده‌ایم که اگرچه بیان فضایل نیز خوب است، اما این مطالب را نسل‌های پیش، قبول می‌کردند، اما جوانان نسل امروز بیشتر مطالب استدلالی می‌خواهند».

دکتر محسن الویری در این خصوص می‌گوید: «سن امامت هم مسئله‌ای اتفاقی نبوده و مجموعه‌ای تدبیر شـــده است بدین منظور که بتوان بخش دیگری از اندیشه عمیق امامت را برای مردم تبیین کرد. اگر رابطه ســـن و ســـال و امامت تبیین و روشن شود، مسئله طولانی شدن عمر مبارک امام زمان(عج) نیز تبیین خواهد شد.

امام جواد(ع) از زمانی که حرکت خود را آغاز کردند، ایـــن نکته را ثابت نمودند که رابطه‌ای بین ســـن و امامـــت وجود ندارد. امامـــت را به اذن و حکم الهی افرادی می‌توانند حتی در صغر ســـن هم عهده‌دار شـــوند چون این پدیده، یک پدیده بشری نبوده و الهی است و در عوالم الهی هم این مسائل، مدخلیتی ندارد».

دکتر غلامرضا بهروز لک دانشـــیار علوم سیاســـی دانشـــگاه باقـــر العلوم(ع) نیز ســـن امامـــت امام جواد (ع) را دلیلی بر توانمندی امام در اداره جامعه و نیـــز دارا بودن علم لدنی می‌دانـــد. او در این باره می‌گوید: «سن پایین امامت ابن‌الرضا(ع) مقدمه‌ای برای امامت امام عصر(عج) در پنج ســـالگی است. ضمن آنکه این مســـئله از تدبیـــری الهی حکایت می‌کند تا ائمه بنی‌الرضـــا(ع) در کودکی مقدمات پذیرش عصر غیبت کبری را برای شیعیان آماده و فراهم سازند».

الگوی سازمانی شیعه

امام جواد(ع) در راســـتای بسط و گسترش فرهنگ ناب تشیع، کارگزاران و وکلایی در مناطق گوناگون و قلمـــرو بزرگ عباســـیان تعیین و یـــا اعزام کرد. حرکت امام جـــواد(ع) در چینش نیروهای فکری و سیاســـی، خود حرکتی کامـــلاً محرمانه بوده و حضرت در جـــوّ حاکم حکومت بنی‌عباس مواظب بـــود تا کســـی از چینش نیروهای ایشـــان مطلع نشـــود. حجت‌الاسلام دکتر محسن الویری دانشیار دانشگاه باقر العلوم(ع) با اشاره به شرایط سیاسی و فرهنگی پس از شهادت امام رضا(ع) اظهار می‌دارد: «جوادالائمه(ع) در شـــرایطی امامت خـــود را آغاز کرد که پشـــتوانه حکومتی شیعیان از دست رفته بود. در چنین شـــرایطی، روح حاکم بر فعالیت‌های امام(ع) این بود که دستاوردهای عصر امام رضا(ع) را متناسب با این محیط حفظ کند به همین منظور به ساماندهی شـــیعیان پرداخته و تشکیلاتی بین نمایندگان امـــام(ع) و طرفدارانش ایجاد کرد که از آن به سازمان وکالت یاد می‌شود و درگام بعدی به تبیین اندیشه امامت اقدام کرد. راه اندازی و تقویت این سازمان مهم را می‌توان نقطه آغاز شکل گیری سازمان روحانیت دانست».

حجت الاســـلام سید صمصام الدین قوامی، در این زمینه معتقد است: «امام جواد(ع) یکسری برنامه‌ها برای عموم امت اسلام و یکسری برنامه‌ها هم برای تشکیل جامعه صالح در بین گارد ویژه شیعیان برای برنامه‌های دراز مدت شیعه ارائه کرد و همین طور با تشکیل سازمان وکالت شیعه را برای عصر غیبت آماده کرد».

موجودیت شیعه انکار نخواهد شد

گســـترش عقل گرایی در دوره امامت امام جواد(ع) که از ثمرات بازی‌های سیاســـی مأمـــون در دوران حکومتش بود، یکی از محورهایی است که می‌توان عملکـــرد علمی و فرهنگی امام جواد (ع) را در کنار فعالیت‌های اصلی و هدایتگرانه ایشان دید.

انحرافات عقیدتی که از دوره امام رضا(ع) آغاز شده بود در این ایام هنوز خاتمه نیافته بود. این مســـئله مهمی است که در سیره علمی و عملی جوادالائمه(ع) باید به دنبال آن بود. به علاوه که شیعه در دوران امام جواد(ع) پس از گذران دوره‌های گوناگون سیاسی و فکری به بلوغی قابل قبول دست یافته بود. امام(ع) با بدعت‌ها و افکاری که بـــه نام تفکر اهل بیت(ع) مطرح شده بود، مبارزه کرد. مقابله امام با غالیان که امام(ع)، آن‌ها را لعنت کرد، بخشـــی از تلاش امام جواد(ع) اســـت.حجت الاسلام دکتر حسین ایزدی نیز در این باره می‌گوید: «ائمه اطهار(ع)، بخصوص از امام صادق(ع) تا امام حسن عسکری(ع)، به دلیل شرایط خاص و فضایی که داشتند، با فِرَق و مذاهب مختلفی روبه‌رو شـــدند. اصل اساســـی که مدنظر ایشـــان قرار می‌گیرد، آن است که علاوه بر تقویت زیرساخت‌های عقیدتی، دینی و فرهنگی، شیعیان را از انحراف‌های موجود حفظ کنند».

وی ادامـــه می‌دهـــد: «امام جـــواد(ع) بـــا تقویت زیرساخت‌های علمی شیعه، به بقای تشیع و حفظ پایگاه اجتماعی آن کمک کرد. جامعه آن روز و پس از آن نمی‌توانست موجودیت شیعه را انکار کند چون شـــیعه، مذهبی با پایه‌های مستحکم علمی است. روشن است که هر جریان سیاسی و مذهبی که از غنای علمی برخوردار باشد، در جریان‌های سیاسی-اجتماعی حذف نخواهد شد».

نحوه شهادت امام جواد(ع)

مأمون خلیفه عباسی که چون سایر خلفای بنی‌عباس از نفوذ باطنی امامان معصوم(ع) در بین مردم هراس داشت سعی کرد ابن الرضا(ع) را تحت مراقبت خاص خویش قرار دهد که یکی از حیله‌های وی بـــرای این کار ازدواج دخترش با امام بـــود، لذا دخترش «ام الفضل» را به ازدواج امام جواد(ع) درآورد تا مراقبی دائمی و از درون خانه، بر امام گمارده باشد.

دلیل دیگری که مأمون دختر خود را به ازدواج امام در آورد کشاندن امام به سمت خود بود؛ چرا که تصور می‌کرد امام با این وصلت مجذوب مادیات و جاه و مقام شده، قداست وی خدشه دار و از راه اصلی منحرف، شیعیان متفرق شده و مأمون خود قوی می‌شود. مأمون همچنین می‌خواست با این وصلت علویان را از اعتراض و قیام بر ضد خود باز داشـــته، خود را دوســـتدار و علاقه‌مند به آنان نشان دهد.

امام جواد(ع) نیز ـ که مانند بقیه امامان(ع) از آینده اطلاع داشـــت و هیچ کاری را بدون آگاهی انجام نمی‌داد ـ بخوبی از دسیسه‌های مأمون آگاه بود و با علم به وصلت با دختر وی رضایت داد.

یکی از دلایل پذیرش این وصلت از سوی امام، حفظ شیعیان از دسیسه‌های کینه توزانه مأمون بود. امام(ع) اگرچه تن به این ازدواج داد، اما شـــواهد تاریخی گواه این حقیقت اســـت که مأمون نتوانست به حیله‌های از پیش تعیین شده خود دست یابد. امام جواد(ع) تا پایان خلافت مأمون در مدینه ساکن بود و پس از مرگ مأمون به دستور معتصم عباسی و در سال ۲۲۰هجری قمری به بغداد رفت. ایشـــان در ماه ذی‌القعده همان سال توسط همسرش(ام الفضل) مسموم و در آخر آن ماه به شهادت رسید.

میراث فرهنگی و علمی جوادالائمه(ع)

بنابر آنچه در تاریخ آمده اســـت، امام جواد(ع) در هشـــت سالگی به امامت رسید و در ۲۵سالگی شهید شد، بنابراین کوتاه بودن عمر حضرت جواد(ع) یکی از دلایلی است که می‌توانیم بگوییم که امام جواد(ع) نسبت به ائمه دیگر که از عمر بیشتری برخوردار بودند، کمتر در بین مردم مطرح شده است. اما در واقع مطابق آنچه در منابع حدیثی شیعه آمده، ما در مورد امام جواد(ع) معارف کم نداریم، یعنی دانستنی‌ها و مطالب زیادی داریم که متأسفانه این‌ها کمتر در میان شیعه مطرح شده است. اگر نویسندگان و اهل تحقیق بتوانند در این زمینه میراث فرهنگی و علمی زندگی امام جواد(ع) را برای مردم تشریح و مطرح کنند، شاید بتوان گفت که آنچه در مورد حضرت جواد(ع) وجود دارد، نسبت به ائمه دیگر کمتر نیست. مناظراتی که امام جواد(ع) با دانشمندان فرقه‌ها و مذاهب مختلف در این دوره دارد، بسیار مهم است. اینکه چگونه یک نوجوان می‌تواند در مناظرات و بحث‌های مختلف اسلامی و فکری با دانشمندان آن زمان، آنان را مغلوب کند، هم کرامتی بزرگ بود و هم علامتی بر حقانیت امامت ایشان. امام جواد(ع) با وجود کوتاهی دوران حیات و امامت، شـــاگردان بزرگی را تربیت کردند؛ امثال «حضرت عبدالعظیم حسنی»، «علی بن مهزیار اهوازی»، «فضل بن شاذان نیشابوری»، «محمد بن سنان زاهری»، «ابونصر بزنطی کوفی» و «دعبل خزاعی» از شاگردان آن حضرت هستند که نزد ایشان، رشد علمی یافته و تربیت شدند یا از آن حضرت حدیث نقل کردند. راویان احادیث جواد الائمه(ع) تنها محدثان شیعه نبودند؛ بلکه علما و دانشمندان اهل تسنن نیز معارف و حقایقی از اسلام را از آن حضرت نقل کرده‌اند. به عنوان نمونه «خطیب بغدادی» احادیثی با سند خود از آن حضرت نقل کرده است.

یادداشت

حجت الاسلام دکتر محمدرضا جواهری

۵ اصل اخلاقی حیات بخش در کلام امام جواد(ع)

موعظه‌های امام جواد(ع) در دل‌های آماده همه انسان‌ها نفوذ می‌کند و برای همگان راهگشا و سودمند است. باید این موعظه‌های با ارزش و پیام‌های آن را شناخت و آموزه‌های اخلاقی آن‌ها را فرا گرفت و سبک زندگی خویش را بر آن‌ها استوار ساخت.

مردی از امام جواد(ع) درخواست نصیحت و موعظه کرد و گفت: اوصنی! مرا پندم بده و وصیت نما! امام فرمود: تقبل؟ می‌پذیری و عمل می‌کنی؟ گفت: آری. امام فرمود: «صبر را بالش خویش ساز، و فقر را در آغوش بگیر، و شهوات را واگذار و رها کن و از خود بران، و با هوای نفس مخالفت کن، و بدان که تو هیچ گاه از چشم خدا و مراقبت پروردگار خالی و بیرون نیستی پس بنگر چگونه می‌باشی»؟ (تحف‌العقول عن آل الرسول علیهم‌السلام، ص۵۳۵، بحارالانوار، ج۷۸، ص۳۵۸).

در این حدیث شـــریف اصول برنامه جامع رشـــد و تکامل بشر قرار دارد. پرسش و پاسخ آغاز این حدیث بیانگر اهمیت و ارزش همین اصول اخلاقی اســـت. مســـلمانی از امام زمان خود تقاضای نصیحت و وصیت و موعظه می‌کند. امام نخست از وی می‌پرسند: قبول می‌کنی و می‌پذیری؟ او تعهد می‌کنـــد قبول کند و در عمل به موعظه و وصیت امام کوتاهی نکند. این گفت‌وگو و اخذ تعهد از پرسشگر مبنی بر آمادگی پذیرش وصیت الهی امام، تلنگری است بر پرسشگر و به او یادآوری می‌نماید این وصیت و نصیحت برای یادگاری و ثبت در تاریخ و یک مســـئله تشریفاتی نیست بلکه برای شنیدن و فهمیدن و عمل است.

صبر

امام جواد(ع) در نخستین جمله وصیت خویش می‌فرمایند: «صبر را بالش قرار ده»! زندگی فردی و اجتماعی با انواع رنج‌ها، ســـختی‌ها، درگیری‌ها، چالش‌ها و محرومیت‌ها آمیخته است. باید با صبر از این دریای مشکلات عبور کرد و به ســـاحل نجات رســـید. بی صبر و بدون پایداری نمی‌توان به اهداف عالی رســـید. موانع پیش رو در راه رشـــد و پیشـــرفت و تکامل بسیار است و سنگلاخ‌ها، سرعتگیرها، بحران‌ها، خاکریزها و میدان‌های مین فراوان است. این راه تنها با تکیه بر صبر هموار می‌گردد.

فقرگرایی آگاهانه

فقر اقتصادی درجه و مرتبه‌های زیادی دارد، چون بالاتر از هر فقری، فقر دیگری وجود دارد. با مشاهده فقر شدیدتر می‌توان فقر خویش را تحمل و آرامش پیدا کرد. گرچه کوشش در راه بی‌نیازی و کسب ثروت و سپس اقدام در دستگیری از نیازمندان و مواسات با آنان دارای ارزش فراوان است، چون جهاد اقتصادی عبادت اســـت، اما کنار آمدن با شرایط ویژه و دشوار اقتصـــادی و گرفتاری‌های فقر و پذیرش ضرورت‌ها و اضطرارها، ســـبب پویایی، نشاط و رهایی از رنج‌ها می‌شود و عامل حفظ امید است.

رهایی از شهوت‌ها

بردگی و اســـارت در بند شـــهوت‌ها، مانع انجام وظایف دینی و ســـد راه رشـــد و کمال انسان هاست. «شهوت کاذب» به بدن و روح ضرر می‌زند و فعالیت عقلانی و تفکر انسان را مختل می‌کند. امام جواد(ع) با بیان «ارفض الشهوات» امر به رها کردن شهوات نموده و بر اساس زیان‌های فراوان افراط در شهوات، دستور به پرهیز از شهوات داده‌اند. شهوت‌گرایی دام شیطان و عامل توقف و بازماندن از پیشرفت و فعالیت است.

مبارزه با هوای نفس

عامل اصلی بسیاری از درگیری‌های خونین، قتل عام‌ها، کینه‌ها، حسادت‌ها، ناراحتی‌ها، خودخواهی‌ها و رذایل اخلاقی «پیروی از هوای نفس» است.

پیروی از هوای نفس موجب سقوط انسان و افتادن در راه جهنم می‌گردد، از این رو در این حدیث شریف، امام جواد(ع) راه تکامل و تقرب به خدای سبحان را نشان داده و فرموده‌اند: «با هوای نفس مخالفت کن». نبرد با هوای نفس، تمایلات، خواســـته‌های زشت و پلید درونی و رهایی از بت نفس و آزادی از زندان هوای نفس، کاری مشکل و بسیار سخت و پر دردسر است. بر همین اساس مخالفت با هوای نفس «جهاد اکبر» نامیده شده است.

علم به قلمرو دید خدا

در پایان این وصیت گهربار و پر محتوا امام جواد(ع) یک حقیقت بســـیار مهم و سرنوشت‌ساز توحیدی را آموزش داده‌اند فهم و باور قدرت، حکومت، بینایی نامحدود و بی پایان پروردگار و علم به اینکه در هر جا و در هر کاری، خدای عزوجل انســـان را می‌بیند و ایمان به اینکه «خدا همه جا هست» اثر مثبت و ســـازنده بی نظیری دارد کـــه هیچ چیز دیگری جایگزین آن نمی‌گردد. هم عامل نشاط، تحرک، رشد و پویایی در راه عبادت و سعادت و هم بازدارنده از انحراف و گناهان اســـت. امام جواد(ع) به شـــخصی که درخواست وصیت نموده بود؛ هشدار دادند: «بدان تو در هیچ جا از عین‌الله خارج نیستی و هیچ مکانی از عین‌الله خالی نیست؛ پس نگاه کن و بیندیش چگونه می‌باشـــی و چه می‌کنی» هر جا باشی و هر کاری انجام بدهی در محضر خدایی پس فکر کن چه کاری انجام می‌دهی.

شماره:۱۳۹۷۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۵۱۲۰
تاریخ:۱۳۹۷/۰۳/۰۲
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قم
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اداره دو قم
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
تاریخ ۱۳۹۷/۳/۳ جلســـه هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد ســـند رســـمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ با حضور امضاء کنندگان زیر در وقت مقرر/ فوق العاده در دبیر خانه هیات تشـــکیل و پرونده کلاســـه ۱۳۹۱۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۱۴۷۳۰مربوط به تقاضای آقای /علی رضا خوشرو مبنی بر صدور ســـند مالکیت نســـبت به ششدانگ /پلاک شـــماره فرعی از باقیمانده ۲۶۸۲ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم تحت بررسی است.
هیات پس از مطالعه پرونده و ملاحظه تقاضای اولیه و مستندات و تطابق نقشه ارائه شده با سوابق پرونده و بررسی پاسخ وضعیت ثبتی ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.
رای هیات
با توجه به تقاضانامه ارائه شـــده و مســـتندات ضمیمه شامل(مبایعه نامه عادی قربانعلی خوشرو خریداری کرده است) و ملاحظه نقشه ملک و گزارش کارشناس منتخب ۹۷/۲/۱۷-۰۰۳۴۹۵ و پاسخ وضعیت ثبتی ۱۳۹۷/۲/۲۵-۲/۳۸۷۷ که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نســـبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشـــته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشـــناس که حکایت از عدم تعارض و بلا منازع بـــودن تصرفات متقاضی دارد طی نامه ۱۶/۱۸۴۱۷ص-۱۳۹۶/۱۰/۱۷ اداره راه و شـــهر سازی مبنی بر عدم موات بودن پلاک مورد تقاضا اعلام داشته لذا مالکیت مفروزی آقای علی رضا خوشـــرو متولد ۱۳۴۷/۱۱/۰۱ به شناسنامه شماره ۲۱۹۷ کد ملی ۰۳۸۱۸۶۴۰۴۹ صادره قم فرزند قربانعلی در قســـمتی از / شـــشـــدانگ قطعه زمین که در آن احداث بنا شـــده به مســـاحت ۱۳۲/۷۰ (یکصد و سی و دو متر و ممیز هفتاد) متر مربع پلاک شماره فرعی از باقیمانده ۲۶۸۲ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم تایید و رای خود را با حدود ذیل صادر می نماید.
شمالا:بطول ۱۳/۱۰ متر دیوار بدیوار ساختمان احداثی در قسمتی از پلاک ثبتی ۲۶۸۲/۵۴
شرقا در سه قسمت اول بطول ۸ متر و دوم که جنوبی است بطول ۲/۲۰متر و سوم بطول ۲/۴۵ متر هر سه قسمت دیوار بدیوار ساختمان احداثی در قسمتی دیگر از پلاک ثبتی ۲۶۸۲ باقیمانده
جنوبا: بطول ۱۰/۹۰متر دیوار بدیوار ساختمان احداثی در قسمتی دیگر از پلاک ثبتی ۲۶۸۲ باقیمانده
غربا:بطول ۱۰/۴۵ متر درب و دیوار یست به شارع ۸ متری
حقوق ارتفاقی ندارد
در اجـــرای مـــاده بند ب ماده ۱ و ۵ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمانهای فاقد ســـند رسمی و ماده ۸و۱۴ آئین نامه اجرایی آن مقرر می دارد اداره ثبت اسناد و املاک وفق مقررات پس از طی تشریفات ثبتی نسبت به صدور سند مالکیت ملک مورد اشاره به نام متقاضی مذکور اقدام نماید.
م الف: ۱۹۸۵ ۹۷۰۶۴۳۷آ
عضو قضائی:محمد جواد رهسپار
رئیس اداره راه و شهرسازی:مجتبی صفری
رئیس ثبت اسناد و املاک:مرتضی نورانی آرانی
تاریخ چاپ نوبت اول:۱۳۹۷/۰۵/۰۶
تاریخ چاپ نوبت دوم:۱۳۹۷/۰۵/۲۱

شماره:۱۳۹۷۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۸۴۰۸ تاریخ:۱۳۹۷/۰۴/۱۷
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قم اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اداره دو قم
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
تاریخ ۱۳۹۷/۴/۱۵ جلســـه هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمانهای فاقد سند رســـمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰با حضور امضاء کنندگان زیر در وقت مقرر/ فوق العاده در دبیر خانه هیات تشـــکیل و پرونده کلاســـه ۱۳۹۱۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۳۳۸۴ مربوط به تقاضای آقای صفت الله ظهیریان مبنی بر صدور ســـند مالکیت نســـبت به ششـــدانگ /پلاک شـــماره فرعی از الی ۲۶و۵۸و۶۸ و۷۰ الی ۸۴ و ۱۱۳ الی ۱۳۴و۱۵۶ الی ۲۴۹۶/۱۶۱و۱۶/۲۰۱/۵۰۳ الی ۵۸/۲۶ الی ۶۸ و ۱۷۶/ الی ۸۴و ۱۱۳ الی ۱۳۶ و ۱۵۶ الی ۲۴۹۶/۱۶۱ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم تحت بررسی است.
هیات پس از مطالعه پرونده و ملاحظه تقاضای اولیه و مستندات و تطابق نقشه ارائه شده با سوابق پرونده و بررسی پاسخ وضعیت ثبتی ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.
رای هیات
با توجه به تقاضانامه ارائه شـــده و مســـتندات ضمیمه شامل(مبایعه نامه عادی /سند رسمی /سند مالکیت مشاعی رضا نوروزی شاد ۱۵/۳۵ متر مربع پلاک ۲۴۹۶/۲۰۱/۵۰۳ خریداری عادی از محمد رضا درمانلو ۷ متر مربع پلاک ۲۴۹۶/۲۰۱/۵۰۳ اصلی و ربعلی محبوبی ۴۵/۱۰متر مربع پلاک ۲۴۹۶/۲۰۰ اصلی می باشـــد.) و ملاحظه نقشـــه ملک و گزارش کارشـــناس منتخب ۹۴/۱۱/۲۸-۲۰۱۷۲۶۷ و پاسخ وضعیت ثبتی ۹۶/۵/۷-۲/۱۳۳۴۱ که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشـــته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشناس که حکایت از عدم تعارض و بلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد ی نامه ۱۱۶/۹۲۵۶ص/۱۳۹۳/۴/۳۰ اداره راه و شهرســـازی مبنی بر عدم موات بودن پلاک مورد تقاضا را اعلام داشـــته لذا مالکیت مفروزی آقای صفت الله ظهیریان متولد ۱۳۴۲/۱۰/۳۱ به شناسنامه شماره ۴۶ کد ملی ۵۷۱۹۷۵۷۱۶۳ صادره کمیجان فرزند عزت الله در قسمتی از ششدانگ قطعه زمین که در آن احداث بنا شـــده به مســـاحت ۶۷/۵۰ (شـــصت و هفت متر و ممیز پنجاه)متر مربع پلاک شماره فرعی از ۱۶/۲۰۰ الـــی ۲۶و۵۸ الی ۶۸و۷۰ الی ۸۴و۱۱۳ الی۱۳۴و۱۵۶الی۲۴۹۶/۱۶۱و۱۶/۲۰۱/۵۰۳ الی ۵۸/۲۶ الی ۶۸و۱۷۶/ الی ۸۴ و ۱۱۳ الـــی ۱۳۶و۱۵۶ الـــی ۲۴۹۶/۱۶۱اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم تایید و رای خود را با حدود ذیل صادر می نماید.
شـــمالا:در دو قسمت اول بطول ۴ متر دیوار ســـاختمان احداثی در قسمتی از پلاک ۲۴۹۶/۲۰۱/۵۰۳- اصلی دوم بطول ۷/۱۰ متر دیوار به دیوار ســـاختمان احداثی در قسمتی از پلاک ۱۶۱/۲۰۰-۱۳۴و۱۵۶-۴و۱۱۳و۷۰-۶۱و۷ و ۲۶ -۱۶/۲۴۹۶اصلی
شرقا:بطول ۵/۹۰ متر درب و دیوار یست بشارع ۲۴ متری خیابان شهید مطهری
جنوبا:در دو قسمت اول بطول ۹/۳۵ متر دیوار به دیوار قسمتی از پلاک ۲۰۰/۱۱۶-۱۵۶و۱۳۴-۴و۱۱۳-۱و۶۰-۷۰-۶و۸ -۲۴۹۶/۱۶اصلیدوم بطول ۴ متر دیوار به دیوار در قســـمتی از پلاک ۲۴۹۶/۰۱/۵۰۳ اصلی
غربا:بطول ۵/۶۰متر دیوار به دیوار ساختمان احداثی در پلاک باقیمانده ۱۶۱/۲۰۱-۱۳۴و۱۵۶-۴و۱۱۳-۷۰-۶۱و۸-۲۶و۱۶-۲۴۹۶ اصلی
حقوق ارتفاقی ندارد.
در اجرای ماده بند ت ماده ۱و۵ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســـاختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۸و۱۴ آئین نامه اجرایی آن مقرر می دارد اداره ثبت اسناد و املاک و مقررات پس از طی تشریفات ثبتی نسبت به صدور سند مالکیت ملک مورد اشاره به نام متقاضی مذکور اقدام نماید. م الف:۱۹۸۳ ۹۷۰۶۴۳۵آ
عضو قضائی:محمد جواد رهسپار رئیس اداره راه و شهرسازی:مجتبی صفری
رئیس ثبت اسناد و املاک:مرتضی نورانی آرانی
تاریخ چاپ نوبت اول:۱۳۹۷/۰۵/۰۶ تاریخ چاپ نوبت دوم:۱۳۹۷/۰۵/۲۱

شماره:۱۳۹۷۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۶۳۶۵ تاریخ:۱۳۹۷/۰۳/۲۲
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قم
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اداره دو قم
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۲ جلسه هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد ســـند رســـمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ با حضور امضا کنندگان زیر در وقت مقرر /فـــوق العاده در دبیر خانه هیات تشـــکیل و پرونده کلاســـه ۱۳۹۱۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۱۱۳۷۸ مربوط به تقاضای آقای فضل اله طاهری عنایت مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ پلاک شماره ۳/۴۱۱ فرعی از ۲۴۶۶ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم تحت بررسی است.
هیات پس از مطالعه پرونده و ملاحظه تقاضای اولیه و مستندات وتطابق نقشه ارائه شده با سوابق پرونده و بررسی پاسخ وضعیت ثبتی ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرات به صدور رای می نماید.
رای هیات
با توجه به تقاضانامه ارائه شـــده و مســـتندات ضمیمه شامل (مبایعه نامه عادی /سند رسمی /سند مالکیت مشـــاعی برابـــر ســـند ۷۹۳۸۹-۰۸/۴۵/۱۳۷۴ دارای مالکیت می باشـــد) وملاحظه نقشـــه ملک و گزارش کارشـــناس منتخب ۹۷/۲/۱۹-۰۰۳۹۹۱ و پاسخ وضعیت ثبتـــی ۲/۴۲۲۳-۹۷/۲/۲۵ که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نســـبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رســـمی به متقاضی داشـــته و تصرفات متقاضی نســـبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررســـی های محلی کارشـــناس که حکایت از عدم تعارض و بـــلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد. طی نامه ۱۱۶/۸۱۳۹/ص ۱۳۹۵/۴/۲۰ اداره راه و شـــهر ســـازی مبنی بر عدم موات بودن پلاک مورد تقاضا اعلام داشته لذا مالکیت مفروزی آقای فضل اله طاهری متولد ۱۳۳۷/۰۱/۰۴ به شناسنامه شماره ۵ کد ملی ۰۶۰۲۸۱۴۳۴۰ صادره ساوه فرزند عباس در قســـمتی از/ شـــشـــدانگ قطعه زمین که در آن احداث بنا شـــده به مســـاحت ۱۱۵ (یکصد و پانزده)متر مربع پلاک شـــماره ۳/۴۱۱ فرعی از ۲۴۶۶ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک اداره دو قم تایید و رای خود را با حدود ذیل صادر می نماید.
شمالا:بطول ۵ متر درب و دیواریست بشارع ۱۲ متری
شرقا:بطول ۲۳ متر دیوار بدیوار ساختمان احداثی در پلاک ۲۴۶۶/۴۱۰/۱۰۴۵ اصلی
جنوبا:بطول ۵ متر دیوار بدیوار ساختمان احداثی در پلاک ۲۴۶۶/۳/۴۱۶ اصلی
غربا:بطول ۲۳ متر دیوار بدیوار ساختمان احداثی در پلاک ۲۴۶۶/۳/۴۱۲ اصلی
حقوقی ارتفاقی ندارد
در اجرای ماده بند ت ماده ۱ و ۵ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ســـاختمانهای فاقد ســـند رســـمی و مـــاده ۸ و ۱۴ آئیـــن نامه اجرائی آن مقرر می دارد اداره ثبت اســـناد و امـــلاک وفق مقررات پس از طی تشـــریفات ثبتی نسبت به صدور سند مالکیت ملک مورد اشاره به نام متقاضی مذکور اقدام نماید .توضیحا با حفظ سند بازداشتی می باشد. م الف:۱۹۸۲ ۹۷۰۶۴۳۴آ
رئیس اداره راه و شهرسازی:حسین عسگری نیستانک
محرمعلی عطائی :عضو قضائی
رئیس ثبت اسناد و املاک:محمد علی بیکی بندرآبادی
تاریخ چاپ نوبت اول:۱۳۹۷/۰۵/۰۶
تاریخ چاپ نوبت دوم:۱۳۹۷/۰۵/۲۱

شماره:۱۳۹۷۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۸۶۳ تاریخ:۱۳۹۷/۰۴/۲۴
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قم
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اداره دو قم
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
جلســـه هیات موضوع قانون تعیین

کلوپ؛ دوست ندارم مثل راموس برنده شوم!

ورزش: بعد از فینال لیگ قهرمانان اروپا و مصدومیت محمد صلاح از طرف سرخیو راموس، انتقادات زیادی به سبک بازی مدافع رئال مادرید شد. در این بین یورگن کلوپ بیش از همه راموس را مورد انتقاد قرار داد، در حالی که ماه‌ها از او دیدار می‌گذرد، باز هم سرمربی لیورپول درباره این مسئله به صحبت پرداخت و گفت: «من مربی هستم که به هیچ وجه نمی‌خواهم از طور که شده تیمم برنده میدان باشد. البته که دوست داشتم قهرمان اروپا شوم. هیچ کس از قهرمانی و پیروزی بدش نمی‌آید ولی ترجیح می‌دهم که بازنده مسابقه باشم تا این که مثل راموس برنده و پیروز شوم. این نباید پیامی باشد که ما به کودکان می‌دهیم.

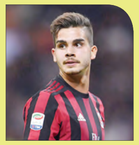

سیلوا در سویا

ورزش: مهاجم پرتغالی میلان با قرارداد قرضی و به مدت یک فصل راهی سویا خواهد شد. آندره سیلوا، مهاجم پرتغالی میلان در فصل نخست حضورش در این تیم ایتالیایی نتوانست انتظارات را برآورده کند. بعد از پیوستن ایگوئین به میلان طبیعی بود که فرصت بازی زیاد به سیلوا نخواهد رسید و همین باعث شد تا او رسوئری را ترک کند. باشگاه میلان اعلام کرد که سیلوا را به صورت قرضی و با قرارداد یکساله به سویا خواهد داد. سیلوا ۳۲ سال سن دارد. او محصول آکادمی باشگاه پورتو است و با ۳۸ میلیون یورو به میلان پیوست. این مهاجم پرتغالی در فصلی که گذشت توانست در ۴۰ بازی ۱۰ گل برای میلان به ثمر برساند.

قلعه‌نویی: قراردادها را منتشر کنید تا برخی راحت بخوابند

ورزش: امیر قلعه‌نویی در خصوص دیدار تیمش مقابل پیکان گفت: من می‌خواهم قبل از صحبت درباره بازی، در خصوص اتفاقاتی که ایستن روزهای در ورزشگاه‌های ما رقم می‌خورد، صحبت کنم.

وی افزود: مردم یکسری مطالبات به حق دارند و شکی در این نیست. مشکلات اقتصادی بیشتر شده و به مردم فشار می‌آید. من هم همیشه منتقد بودم و زمانی که کسی صحبت نکرده، من صحبت کرده‌ام و شاید برای من هزینه هم داشته است. فارغ از این مسائل و مشکلات به نظرم بحث راه افتادن قومیت‌ها که این روزها در ورزشگاه‌هایی می‌بینیم، خوب نیست. ما همه ایرانی هستیم و به ایرانی بودن‌مان هم افتخار می‌کنیم و باید افتخار کنیم. من می‌گویم اگر مطالباتی هم دارید، بهتر است از راه درست بروید. یکسری مشکلات اقتصادی وجود دارد که باید هر چه زودتر برطرف کنند. کشوری ثروتمند هستیم که از نظر نفت و گاز کشور رتبه اول دنیا هستیم و راهی که دولتمردان ما رفته‌اند که درست نیست و چوان‌های ما هم یکسری مطالبات به حق دارند.

قلعه‌نویی که با برنامه تهران ورزشی رادیو تهران صحبت می‌کرد درباره صحبت‌هایی که در مورد تیمش می‌شود، گفت: تا صحبتی هم می‌شود، می‌گویند ما پول نداریم هزینه کنیم. به من هم همیشه منتقد بودم و زمانی که کسی صحبت نکرده، من صحبت کرده‌ام و شاید برای من هزینه هم داشته است. فارغ از این مسائل و مشکلات به نظرم بحث راه افتادن قومیت‌ها که این روزها در ورزشگاه‌هایی می‌بینیم، خوب نیست. ما همه ایرانی هستیم و به ایرانی بودن‌مان هم افتخار می‌کنیم و باید افتخار کنیم. من می‌گویم اگر مطالباتی هم دارید، بهتر است از راه درست بروید. یکسری مشکلات اقتصادی وجود دارد که باید هر چه زودتر برطرف کنند. کشوری ثروتمند هستیم که از نظر نفت و گاز کشور رتبه اول دنیا هستیم و راهی که دولتمردان ما رفته‌اند که درست نیست و جوان‌های ما هم یکسری مطالبات به حق دارند.

قلعه‌نویی که با برنامه تهران ورزشی رادیو تهران صحبت می‌کرد درباره صحبت‌هایی که در مورد تیمش می‌شود، گفت: تا صحبتی هم می‌شود، می‌گویند ما پول نداریم هزینه کنیم. به من هم همیشه منتقد بودم و زمانی که کسی صحبت نکرده، من صحبت کرده‌ام و شاید برای من هزینه هم داشته است. فارغ از این مسائل و مشکلات به نظرم بحث راه افتادن قومیت‌ها که این روزها در ورزشگاه‌هایی می‌بینیم، خوب نیست. ما همه ایرانی هستیم و به ایرانی بودن‌مان هم افتخار می‌کنیم و باید افتخار کنیم. من می‌گویم اگر مطالباتی هم دارید، بهتر است از راه درست بروید. یکسری مشکلات اقتصادی وجود دارد که باید هر چه زودتر برطرف کنند. کشوری ثروتمند هستیم که از نظر نفت و گاز کشور رتبه اول دنیا هستیم و راهی که دولتمردان ما رفته‌اند که درست نیست و جوان‌های ما هم یکسری مطالبات به حق دارند.

حسینی برای رفتن وسوسه می شود؟

هشتادمین کلین‌شیت رحمتی

ورزش: رحمتی که در هر سه بازی ابتدایی این فصل برای استقلال به میدان رفته، در دو بازی تیمش در ورزشگاه آزادی هیچ گلی را دریافت نکرده و توانست دو بار دیگر هم کلین شیت کند. به این ترتیب، مهدی رحمتی به رکورد ۸۰ کلین شیت همراه با آبی پوشان دست یافت.

رحمتی علاوه بر اینکه در استقلال و همچنین در تاریخ لیگ برتر رکوردار کلین شیت است، یک رکورد دیگر را هم به نام خود دارد. کاپیتان استقلال رکورددار ثبت کلین شیت در یک تیم شناخته می‌شود. تا کنون هیچ موقع به ۸۰ کلین شیت همراه با یک تیم باشگاهی نشده است.

سیدمهدی رحمتی در تاریخ لیگ برتر با ۱۷۱ بار کلین شیت کرده و فاصله زیادی با سایر رقبای خود دارد. او در تیم های فجرسپاسی، مس کرمان، سپاهان اصفهان، پیکان و استقلال تهران در لیگ برتر حضور داشته و کلین شیت کرده است. این در حالی است که استقلال روی نیمکت حسین حسینی را هم دارد که سال قبل شروع توفانی داشت و رحمتی را روی نیمکت پیچ و مهره کرده بود. با این حال برخی رفتارها و باعث ناراحتی شفر شد تا رحمتی در آستانه ۴۰ سالگی دوباره مرز شماره یک دروازه آبی ها شود. تجربه بالای او در حالی که استقلال در قلب دفاع هنوز چشمی را ندارد و با نوسانات زیادی مواجه می شود برگ برنده مرد آلمانی است و باعث بالا رفتن اعتماد به نفس بازیکنانی چون دانشگر، فرشاد محمدی مهر و آرمن سیهرابیان می‌شود. خیلی‌ها معتقدند در صورت ادامه روند خوب رحمتی احتمال جدایی حسینی در تیم قبل وجود دارد. کسی چه می داند شاید با رفتن بیرانوند از پرسپولیس حسینی هوس باغی گری به سرش بزند.

گزینه جدید کی‌روش؛ کلمبیا

آی اسپورت: آینده حوسه نستور پکرمن مشخص نیست. خرارد مارتینوی آرژانتینی جدیدترین گزینه برای مربیگری در کلمبیا مطرح شده است. او که سابقه هدایت تیم ملی آرژانتین را داشته است، می‌تواند جایگزین مناسبی برای پکرمن باشد. با این حال مارتینو تنها گزینه نیست و در این میان نام خوان کارلوس اوسوریو و کارلوس کی‌روش دیده می‌شود.

فرانسه مقصد قطعی قدوس؟

ورزش: در حالی که سامان قدوس هفته گذشته به اسپانیا رفت و با تیم لالیگای هوئسکا به توافق رسید، به یکباره رئیس باشگاه اوستر شوندس سوئد اعلام کرد که قدوس باید به سوئد برگردد و اجازه حضور در لالیگا را ندارد. سایت «OP» سوئد در گزارشی به آخرین وضعیت سامان قدوس پرداخت و نوشت: «قدوس بعد از سفر به اسپانیا روز جمعه به سوئد بازگشت. در حال حاضر خبرهای جدید حاکی از رفلت دو باشگاه آمیان و رن فرانسه برای به خدمت گرفتن قدوس است. در حالی که عکس توافق قدوس با باشگاه هوئسکا منتشر شده بود، به یکباره مسائلی باعث شد کیندبرگ رئیس اوستر شوندس زیر این قرارداد بزند.»

خسارت «آزادی» زیاد است

پرسپولیس - مسجدسلیمان شاید جایی دیگر!

ایسنا: فرهاد دیکو سخنگو، سرپرست ورزشگاه آزادی درباره خسارات وارد شده به ورزشگاه آزادی در جریان دیدار استقلال تهران و ذوب‌آهن گفت: ما با احتمال دارد به دلیل تخریب زیاد ورزشگاه رقابت‌های لیگ برتر به تعویق بیفتد. گفت: تمام تلاش‌مان بر این است که هر چه سریع‌تر خسارات وارده را رفع کنیم و آزادی را برای برگزاری هفته آینده لیگ برتر که بین پرسپولیس تهران و نفت مسجد سلیمان برگزار خواهد شد، فراهم کنیم.

ایمانی: بقیه مجانی بازی می‌کنند که من پولکی شدم!

قدس آنلاین: در حاشیه دیدار پدیده - صنعت نفت آبادان در ورزشگاه امام رضا(ع) هواداران باشگاه پدیده بیش از حرکت عجیب اکبر ایمانی بازیکن سابق این تیم با شعار «ایمانی پولکی» از اجحاف او در آمدند. ایمانی که از شعار هواداران پدیده فوتبال صحبت کرد: مگر بقیه بازیکنان فوتبال مجانی بازی می‌کنند که حالا به من می‌گویند پولکی! خیلی بی‌معرفتی است که الان بازیکن پولکی به من برنامه. واقعا من پولکی نبودم مجبور بودم از مشهد حارج شوم اما حالا می‌بینم اشتباه نکردم!

ضد حمله

عزیزی: با شهردار مشهد برای کمک به سیاه‌جامگان مذاکره کردم

قدس آنلاین: خداداد در پاسخ به این پرسش که در صورت جدایی از باشگاه سپیدرود، گفته می‌شود هدایت

سیاه جامگان را برعهده خواهید گرفت، گفت: من نمی‌توانم به صورت روشن و واضح پاسخ این سوال را بدهم، چون هنوز با مالک سپیدرود مذاکره نکردم اما قطعا نمی‌توانم در قبال تیم شهرم بی تفاوت باشم، من قبلا هم با شهردار مشهد درباره حمایت از سیاه جامگان مذاکراتی را انجام دادم و قرار است که شهردار یه به این تیم کمک کند قطعا به محض روشن شدن تکلیفم در رشت در خصوص همکاری مجدد با سیاه جامگان تصمیم گیری می کنم.

امیری ۳هفته دیگر می‌رسد

ورزش: سایت باشگاه ترابزون اسپور درباره آخرین وضعیت وحید امیری که در بازی دوستانه مقابل کالیاری از ناحیه زانوی راست مصدوم شده نوشته: بعد از آنکه کادر پزشکی باشگاه، ام آر آی وحید را دیدند به این نتیجه رسیدند که او سه هفته زمان دارد تا بتواند به تمرینات گروهی اضافه شود.

آیا سپوت جدید لیگ برتری به تراکتورسازی می‌آید؟

ورزش: بعد از فینال لیگ قهرمانان اروپا و مصدومیت محمد صلاح از طرف سرخیو راموس، انتقادات زیادی به سبک بازی مدافع رئال مادرید شد. در این بین یورگن کلوپ بیش از همه راموس را مورد انتقاد قرار داد، در حالی که ماه‌ها از او دیدار می‌گذرد، باز هم سرمربی لیورپول درباره این مسئله به صحبت پرداخت و گفت: «من مربی هستم که به هیچ وجه نمی‌خواهم از طور که شده تیمم برنده میدان باشد. البته که دوست داشتم قهرمان اروپا شوم. هیچ کس از قهرمانی و پیروزی بدش نمی‌آید ولی ترجیح می‌دهم که بازنده مسابقه باشم تا این که مثل راموس برنده و پیروز شوم. این نباید پیامی باشد که ما به کودکان می‌دهیم.

امیری ۳هفته دیگر می‌رسد

ورزش: سایت باشگاه ترابزون اسپور درباره آخرین وضعیت وحید امیری که در بازی دوستانه مقابل کالیاری از ناحیه زانوی راست مصدوم شده نوشته: بعد از آنکه کادر پزشکی باشگاه، ام آر آی وحید را دیدند به این نتیجه رسیدند که او سه هفته زمان دارد تا بتواند به تمرینات گروهی اضافه شود.

گزینه جدید کی‌روش؛ کلمبیا

آی اسپورت: آینده خوسه نستور پکرمن مشخص نیست. خرارد مارتینوی آرژانتینی جدیدترین گزینه برای مربیگری در کلمبیا مطرح شده است. او که سابقه هدایت تیم ملی آرژانتین را داشته است، می‌تواند جایگزین مناسبی برای پکرمن باشد. با این حال مارتینو تنها گزینه نیست و در این میان نام خوان کارلوس اوسوریو و کارلوس کی‌روش دیده می‌شود.

فرانسه مقصد قطعی قدوس؟

ورزش: در حالی که سامان قدوس هفته گذشته به اسپانیا رفت و با تیم لالیگای هوئسکا به توافق رسید، به یکباره رئیس باشگاه اوستر شوندس سوئد اعلام کرد که قدوس باید به سوئد برگردد و اجازه حضور در لالیگا را ندارد. سایت «OP» سوئد در گزارشی به آخرین وضعیت سامان قدوس پرداخت و نوشت: «قدوس بعد از سفر به اسپانیا روز جمعه به سوئد بازگشت. در حال حاضر خبرهای جدید حاکی از رفلت دو باشگاه آمیان و رن فرانسه برای به خدمت گرفتن قدوس است. در حالی که عکس توافق قدوس با باشگاه هوئسکا منتشر شده بود، به یکباره مسائلی باعث شد کیندبرگ رئیس اوستر شوندس زیر این قرارداد بزند.»

خسارت «آزادی» زیاد است

پرسپولیس - مسجدسلیمان شاید جایی دیگر!

ایسنا: فرهاد دیکو سخنگو، سرپرست ورزشگاه آزادی درباره خسارات وارد شده به ورزشگاه آزادی در جریان دیدار استقلال تهران و ذوب‌آهن گفت: ما با احتمال دارد به دلیل تخریب زیاد ورزشگاه رقابت‌های لیگ برتر به تعویق بیفتد. گفت: تمام تلاش‌مان بر این است که هر چه سریع‌تر خسارات وارده را رفع کنیم و آزادی را برای برگزاری هفته آینده لیگ برتر که بین پرسپولیس تهران و نفت مسجد سلیمان برگزار خواهد شد، فراهم کنیم.

ایمانی: بقیه مجانی بازی می‌کنند که من پولکی شدم!

قدس آنلاین: در حاشیه دیدار پدیده - صنعت نفت آبادان در ورزشگاه امام رضا(ع) هواداران باشگاه پدیده بیش از حرکت عجیب اکبر ایمانی بازیکن سابق این تیم با شعار «ایمانی پولکی» از اجحاف او در آمدند. ایمانی که از شعار هواداران پدیده فوتبال صحبت کرد: مگر بقیه بازیکنان فوتبال مجانی بازی می‌کنند که حالا به من می‌گویند پولکی! خیلی بی‌معرفتی است که الان بازیکن پولکی به من برنامه. واقعا من پولکی نبودم مجبور بودم از مشهد حارج شوم اما حالا می‌بینم اشتباه نکردم!

رئیس کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال مدعی است تماشاگران باید خودشان اصلاح شوند

توپ متولیان فرهنگ در زمین مردم

قدس آنلاین/ سینا حسینی: رئیس کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال در واکنش به اتفاقات روزهای اخیر در ورزشگاه غدیر اهواز و آزادی گفت: تا وقتی که ما کار را به مردم واگذار نکنیم، این رویه تلخ تکرار می‌شود. من اصلاً قبول ندارم که همه تماشاگران بی‌نظمی و بی‌اخلاقی می‌کنند. تنها ۴ درصد از مجموع تماشاگران فوتبال هستند که با حرکات اغراقی به ورزشگاه می‌آیند و این مشکلات را به وجود می‌آورند.

غلامحسین زمان آبادی در پاسخ به اینکه برخی ادعا دارند این عده بسا اعداد غیر فوتبالی وارد ورزشگاه می‌شوند و این مشکلات را به وجود می‌آورند، گفت: من قبول دارم که این افراد برای هر هم زدن نظم عمومی وارد ورزشگاه می‌شوند اما هنوز به این باور نرسیدیم که آنها از بیرون از کشور خط می‌گیرند. به اعتقاد من تا زمانی که مردم نخواهند این مشکل حل نمی‌شود. به عقیده من باید این افراد از سوی مردم طرد شوند و گرنه با جریمه و بگیر و ببند کار درست نمی‌شود. ما نمی‌توانیم برای هر تماشاگر یک مأمور پلیس استخدام کنیم بلکه باید فرهنگ سازی کنیم که این رفتارها را کسی انجام ندهد و اگر کسی هم خواست این کار را انجام دهد بقیه با او برخورد کنند. اینجا باید فرهنگ درست شود نه این که بخشنامه صادر شود.

غلامحسین زمان آبادی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: بنا داریم سه سکو ورزشگاه آزادی را به صورت نظام‌مند به گونه‌ای مدیریت کنیم که تماشاگران خردسال و کم سن و سال که به همراه پدران خود وارد ورزشگاه می‌شوند، در محلی مراقبت شده و یک بازی فوتبال خود را تماشا کنند. قطعاً اگر این روند نتیجه خوبی داشته باشد می‌توانیم به ورود خانواده‌ها امیدوار شویم.

زمان آبادی در خصوص برخی شعارها نوشته‌ها در ورزشگاه هم ابراز تأسف کرد و در این خصوص گفت: متأسفانه برخی با اغراقی که به دنبال حاشیه سازی هستند، در صورتی که همه ما زیر یک پرچم زندگی می‌کنیم و باید به همدیگر احترام بگذاریم.

نتیجه تمام جریمه ها و محرومیت های کمیته اخلاق چه شد؟

به فرهنگ سکونشینی سنگ نزنیم

جواد رستم زاده: فوتبال قرار بود جنگ میان مستطیل سبز بر سر توپ باشد نه جنگ روی سکوها با توپ و تانک. آن هم در ایران. سرزمینی که قرن هاست اقوام نجیب آن به دور از هر نوع تعصب نژادی و قومیتی کنار هم بودن را پاسداری کرده‌اند. مشکوک است. این همه توهین. این همه سنگ پرانی و این حجم از دشمنی مشکوک است. اگر مگر می شد چشم ها را بست و به سوی هموطن، هم محلی و هم کیش خود سنگ و سیمان پراند؟ تمام آنهایی که برای تشویق تیم محبوب شان به استادیوم می روند پشت سر خود مادری نگران، پدری منتظر و خانواده ای چشم به راه را دارند. آن سرباز. آن دژبان آن مأمور حراست. آن عکاس و خبرنگار. همه از خود ما هستند. نه تکه‌ای از خاک ما را اشغال کرده اند و نه حقوق ما را پایمال کرده اند. همه دست به دست هم داده اند تا چرخ فوتبال بچرخد. عده‌ای سرگرم شوند و جامعه از خودگمی و فشارهای عصبی خارج شود. این درست که روزها به سختی می گذرند و این درست که نان به سختی در می آید و گاه خون ها به جوش می آید از تحریم ها. اما سکوهای استادیوم جای تخلیه عصبانیت ها و لجاجت ها نیست. اینجا ایران است مهد تمدن و فرهنگ. کشوری پرت، بدون ریشه و افتاده در گوشه ای از دنیا نیست که مردمش از همه جا در آن جمع شده باشند و بدون تاریخ تنها به گدران زندگی مشغول باشند. کدام جریان نفوذ کرده است که ایرانی را مقابل ایرانی قرار می دهد؟ نهادهای فرهنگی و نظارتی اگر امروز نتوانند ریشه یابی و برخورد کنند چه زمانی می خواهند نقش ایفا کنند؟ راستی نتیجه آن همه جریمه مالی و برگزاری بازی بدون تماشاگر چه شد؟ فحش ها ناسزاها تبدیل به سنگ پرانی و شکستن صندلی شد. با این اوضاع حتی نمی شود به ورود بانوان به استادیوم ها فکر کرد چه برسد به اجرایی کردن آن. بانوان با کدام تضمین امنیتی وارد این لشکر کشی روی سکوها شوند؟ اصلا چه کسی جرئت می کند همسر و دختر خود را در چنین فضای مرد افکنی راهی استادیوم کند؟

سالها قبل انگلستان اسیر همین هولیگانیسم بود و با تدبیری تاریخی توانست ضمن برچیدن بساط هولیگان ها در استادیوم ها به جایی برسند که حتی برچین بین بازیکنان و تماشاگران راهم برچیدند. شاید بد نباشد نهادهای مربوطه برای یک بار هم شده از آن راهکارها را نگاهی بیندازند و در ایران اجرایی کنند. اما اگر راه حلی پیدا نمی کنند بهتر است برای سلامت جان افراد و فرهنگ این خاک، در فوتبال را تخته کنند تا بعد.

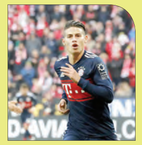

غیبت خامس در سوپرجام آلمان

ورزش: روزنامه آلمانی آبند تسایتونگ اعلام کرد که بزرگترین نگرانی بایرن در مورد سوپراستار این تیم خامس رودریگز است. خامس در جریان پیروزی عجیب ۲۰-۲ در بازی دوستانه با تیم محلی رونتاگ اگرن از ناحیه سانی پا آسیب دیده و روز جمعه توانسته در تمرین‌های تیمش شرکت کند. به گزارش آبند تسایتونگ بعید به نظر می‌رسد خامس بتواند روز یکشنبه در سوپر جام آلمان برای بایرن به میدان برود. خوشحتانه لئون گورتسکا و سرژ گنابری وضعیت بهتری دارند. گورتسکا روز یکشنبه با دست گچ گرفته بازی خواهد کرد و گنابری مشکل خاصی نخواهد داشت. به گزارش روزنامه بیلد، این دو بازیکن پیش از بازی دوستانه با رونتاگ اگرن معلوم شده بودند.

مورینیو: پوگبا مثل یک هیولا بود

ورزش: پوگبا که ماژوند کاپیتانی شیاطین سرخ را به بازو بسته بود در دقیقه سوم بازی پشت ضربه پنالتی استاد تا فقل دروازه‌ها را باز کند. پوگبا در مرکز میدان فوق‌العاده ظاهر شد ولی مورینیو در کنفرانس خبری بعد از بازی خود به این موضوع اشاره کرد که پوگبا با وجود عدم حضور در تمرینات پیش‌فصل چطور توانسته ۸۰ دقیقه در میدان دوندگی داشته باشد. مورینیو گفت: پوگبا هیولا بود. ما فکر می‌کردیم او احداکثر ۶۰ دقیقه می‌تواند بازی کند. بعد هم رومئو لوکاکو و مروان فلایینی را داشتیم که توانستند به نوبه خودشان یا به تیمم کمک کنند. روحیه تیمم ما فوق‌العاده بود و در برخی برهه‌های بازی شاهد فوتبال خیلی خوبی بودیم.

تیم جوانان با شکست برابر ژاپن ششم شد

سقوط ۵ پله‌ای بسکتبال ایران در آسیا

ورزش: تیم بسکتبال جوانان ایران با شکست مقابل ژاپن با مقام ششمی به کار خود در رقابت های قهرمانی آسیا پایان داد. تیم ملی بسکتبال جوانان ایران که با شکست مقابل نیوزیلند از رسیدن به جمع ۴ تیم برتر آسیا و کسب سهمیه جهانی بازمانده بود، روز گذشته مقابل کره جنوبی قرار گرفت تا با پیروزی ۸۹ بر ۸۱ در پای کسب مقام های پنجمی تا ششمی به مصاف ژاپن برود. دیدار ایران و ژاپن نیز با نتیجه ۷۰ بر ۵۸ به سود ژاپن به پایان رسید تا عنوان ششمی رقابت های بسکتبال جوانان زیر ۱۸ سال آسیا به ایران برسد. این در حالی است که در دوره قبلی تیم جوانان ایران توانسته بود در مسابقات قهرمانی آسیا به عنوان نخست و جام قهرمانی دست پیدا کند.

ترکیب نهایی تیم ملی بسکتبال برای بازی های آسیایی

ورزش: ترکیب نهایی تیم ملی بسکتبال ایران برای حضور در بازی‌های آسیایی جاکارتا مشخص شد. ایران در مرحله مقدماتی با سوریه و امارات هم گروه است. دو تیم نخست به مرحله حذفی صعود می کنند. مسابقات بسکتبال بازی های آسیایی در چهار گروه برگزار می شود. ترکیب ۱۲ نفره بسکتبال ایران برای بازی های آسیایی به ترتیب زیر است: محمد جمشیدی، محمد حسن زاده، حامد حدادی، آرن داوودی، وحید دلیرزهان، روزبه ارغوان، بهنام یخچالی، نوید رضایی فر، محمد صمد نیکخواه بهرامی، میثم میرزایی، سجاد مشایخی، ارسلان کاظمی.

سرمربی تیم ملی تنیس روی میز:

شانس مان برای مدال انفرادی بیشتر است

ورزش: سرمربی تیم ملی تنیس روی میز با تاکید بر اینکه مدال بازی‌های آسیایی این رشته با مدال المپیک برخی رشته‌ها برابری می‌کند، گفت: شانس مان برای کسب مدال انفرادی بیشتر است.

جمیل لطف الله نیی گفت: علی پوشان تا حد زیادی به مدال گرایی برای حضور در بازی های آسیایی دست یافته اند با این حال سعی مان این است در این اردو، دقایق لطف که هنوز در عملکرد بازیکنان دیده می شود را پوشش دهیم و همزمان نقاط قوت آنها را هم تقویت کنیم. در کل روی سرعت و چابکی علی پوشان تاکید زیادی خواهیم داشت.

AVC کاپ

والیبال ایران به نیمه‌نهایی صعود کرد

ورزش: تیم ملی والیبال دیروز در نخستین مسابقه مرحله یک چهارنهایی AVC کاپ مصاف ویتنام رفت و با این نتیجه ایران به سه بر صفر از سر راه برداشت سه ست این بازی با امتیازات ۲۵ بر ۲۰، ۲۵ بر ۱۴ و ۲۵ بر ۱۹ به سود ایران رقم خورد. با این نتیجه ایران به نیمه‌نهایی راه یافت و رقبا دوشنبه با مصاف قرار گرفتند.

۲۶ مدال طلا انتظار وزارت ورزش از جاکارتا

ورزش: معاون ورزش قهرمانی وزارت ورزش اعلام کرده انتظار این وزارتخانه کسب ۲۶ مدال طلا در بازی های آسیایی است.

در شرایطی که کاروان اعزامی این به بازی های آسیایی ۱۸۰ نفر‌ای تعداد بیشتری رقیب را به دوره های قبلی است، مسئولان ورزش کشور هم انتظار خود را نسبت به دوره قبلی بالاتر برده اند.

در بازی های آسیایی ۲۰۱۸ ایران با ۲۱ مدال طلا به عنوان پنجمی رسید. پیش بینی می شود برای اینکه ایران بتواند به عنوان چهارمی بازی های آسیایی ۲۰۱۸ در جاکارتا برسد، باید حدود ۳۰ مدال طلا به دست بیاید. با این حال محمدرضا دلورزی، معاون وزیر ورزش استقلال مسئولان ورزش کشور و سیاست پخته ایران را تعداد مدال های طلا در اندونزی را ۲۵ تا ۲۶ مدال طلا دانسته است.

خبر

رستمی:

می خواهم در ۲ وزن رکورددار دنیا شوم

ورزش: قهرمان وزنه برداری المپیک و جهان گفت: هدفم این است که بعد از کورشکنی در دسته ۸۵ کیلوگرم در وزن جدید هم رکورد بزنم تا در ۲ وزن رکورددار دنیا باشم. کیانوش رستمی در مورد تغییر وزن خود اعتراف کرد: من دوست نداشتم با سهراب مرادی در یک وزن باشم. به هر حال سهراب هم یک قهرمان بزرگ و برای من عزیز است. به هر حال رقابت است و سعی می کنم در وزن جدید هم بتونم دل مردم را شاد کنم.

تیم جوانان با شکست برابر ژاپن ششم شد

سقوط ۵ پله‌ای بسکتبال ایران در آسیا

ورزش: تیم بسکتبال جوانان ایران با شکست مقابل ژاپن با مقام ششمی به کار خود در رقابت های قهرمانی آسیا پایان داد. تیم ملی بسکتبال جوانان ایران که با شکست مقابل نیوزیلند از رسیدن به جمع ۴ تیم برتر آسیا و کسب سهمیه جهانی بازمانده بود، روز گذشته مقابل کره جنوبی قرار گرفت تا با پیروزی ۸۹ بر ۸۱ در پای کسب مقام های پنجمی تا ششمی به مصاف ژاپن برود. دیدار ایران و ژاپن نیز با نتیجه ۷۰ بر ۵۸ به سود ژاپن به پایان رسید تا عنوان ششمی رقابت های بسکتبال جوانان زیر ۱۸ سال آسیا به ایران برسد. این در حالی است که در دوره قبلی تیم جوانان ایران توانسته بود در مسابقات قهرمانی آسیا به عنوان نخست و جام قهرمانی دست پیدا کند.

ترکیب نهایی تیم ملی بسکتبال برای بازی های آسیایی

ورزش: ترکیب نهایی تیم ملی بسکتبال ایران برای حضور در بازی‌های آسیایی جاکارتا مشخص شد. ایران در مرحله مقدماتی با سوریه و امارات هم گروه است. دو تیم نخست به مرحله حذفی صعود می کنند. مسابقات بسکتبال بازی های آسیایی در چهار گروه برگزار می شود. ترکیب ۱۲ نفره بسکتبال ایران برای بازی های آسیایی به ترتیب زیر است: محمد جمشیدی، محمد حسن زاده، حامد حدادی، آرن داوودی، وحید دلیرزهان، روزبه ارغوان، بهنام یخچالی، نوید رضایی فر، محمد صمد نیکخواه بهرامی، میثم میرزایی، سجاد مشایخی، ارسلان کاظمی.

سرمربی تیم ملی تنیس روی میز:

شانس مان برای مدال انفرادی بیشتر است

ورزش: سرمربی تیم ملی تنیس روی میز با تاکید بر اینکه مدال بازی‌های آسیایی این رشته با مدال المپیک برخی رشته‌ها برابری می‌کند، گفت: شانس مان برای کسب مدال انفرادی بیشتر است.

جمیل لطف الله نیی گفت: علی پوشان تا حد زیادی به مدال گرایی برای حضور در بازی های آسیایی دست یافته اند با این حال سعی مان این است در این اردو، دقایق لطف که هنوز در عملکرد بازیکنان دیده می شود را پوشش دهیم و همزمان نقاط قوت آنها را هم تقویت کنیم. در کل روی سرعت و چابکی علی پوشان تاکید زیادی خواهیم داشت.

کرسی بین المللی را رها کردم چون حمایتی از داخل نمی شدم

خادم: رجال سیاسی کشتی را رها کردند

مهر: سکاندار پرافتخارترین ورزش ایران در میادین جهانی و المپیک در آستانه حضور کاروان کشتی ایران در بازیهای آسیایی زوزهای سخت و پرالتهابی را پشت سر می گذارد. روزهایی که تیم های کشتی آزاد و فرنگی رده های مختلف برای حضور در میادین بین المللی در حال آماده سازی و تجهیز هستند و فدراسیون کشتی نیز بعد بالنبوهی از مشکلات داخلی و خارجی، زمینه ساز امکانات لازم باشد.

● انتخاب نفرات اعزامی به بازیهای آسیایی با انتقادات مختلفی همراه بود، آیا در گزینش این نفرات مشکلی وجود داشت؟

- شوراهای فنی بعد از مسابقات انتخابی تیمهای ملی جلسه گذاشتند و تعدادی از نفرات برتر و واجد شرایط کشتی آزاد و فرنگی برای حضور در اردوهای آماده سازی بازیهای آسیایی و قلبتهای جهانی مشخص شدند تا کادرهای فنی در وهله اول روی آنها کار کنند. البته این مسئله به منزله انتخاب آنها نبود و تا قبل از انتخاب نهایی مشخص نشد که به کدام مسابقات اعزام می شوند.

● نفرات اعزامی به بازیهای آسیای چقدر شانس حضور در رقابت های جهانی را هم دارند؟

- به هر حال ملی پوشان کشتی آزاد و فرنگی با توجه به همین فرآیند برای بازیهای آسیایی انتخاب شدند. اما هیچ الزامی نیست که نفرات اعزامی به بازیهای آسیایی به رقابت های جهانی هم بروند. ما بعد از بازیهای آسیایی مجدد مسیر فرآیند انتخابی تیم ملی را در اولوی که تردید و ابهام داریم با اعزام به تورنمنت های بین المللی ادامه خواهیم داد.

● در این شرایط حساس دلیل استعفای شما از هیئت رئیسه اتحادیه جهانی کشتی و از دست دادن این کرسی ارزشمند چه بود؟

- بود و نبود من در هیئت رئیسه در این شرایط هیچ فرقی نمی کرد. زمانی کرسی بین المللی برای یک کشور سازنده و مؤثر است که از سوی متولیان داخلی حمایت شود. طبعتا صرف حضور یک نفر از یک کشور، در یک مجمع بین المللی، آنهم بدون هر گونه اختیار و حمایت، خبری ندارد.

● این تصمیم به معنای عقب‌نشینی و دست کشیدن از تلاش نبود؟

- هیچ جرمی بالاتر از کار کردن نیست! اگرا این بزرگترین جرم است که یک مجموعه مدیریتی، فارغ از درست و غلط بودن برنامه هایش، بخواهد و یا بتواند کار کند. آن وقت است که بلافاصله همه به سراغ او می آیند تا مانع شوند، چرا که کار کردن آن مجموعه و لوبی ربط، باعث حذف منافع آنها می شود. من وظیفه دارم تا جایی که توان محدودم اجازه می دهد در کنار کشتی باشیم. مثل تمام اعضای خانواده کشتی که در روزگار سخت چندماه گذشته، خودشان در کنار خودشان ایستادند تا ایران در توان حمایت کردند. مطمئنا علت اصلی اینکه کشتی هنوز در این فراز و نشیب ها سر پا ایستاده است، ایستادگی اهالی کشتی در کنار یکدیگر است. عاملی که خیلی جاها تلاش می کنند آنرا بشکنند.

● با این شرایط آینده کشتی ایران در عرصه بین المللی را چگونه ارزیابی می کنید؟

- تهدید کشتی ایران توسط کمیته بین المللی المپیک باعث شد رقبای ما در اتحادیه جهانی با شدت و جدیت زیادی پیگیر این موضوع باشند تا ما را به عنوان یک رقیب از میدان خارج کنند. مثل اتفاقی که در وزنه برداری جهان افتاد و بسیاری از مدعیان و رقبا از میدان محو شدند. طبیعتا خارج شدن ایران از اردوگاه مدعیرنی و بین المللی هم توسط رقبای ما پیگیری می شود و هر پیامد و دلیلی که بتواند چنین متلکاتی را برای ایران رقم بزند از چشم آنها پنهان نمی ماند.

● پیش بینی مدالی شما از نتایج بازیهای آسیایی؟

- ما در دوره قبلی بازیهای آسیایی در ۴۵ وزن ۶مدال طلا گرفتیم. در این دوره از بازیها وزن ۱۲ وزن کاهش یافته و باید در ۱۲ وزن مبارزه می کنیم. همین با توجه به شرایط تیمی و اینکه در سالهای اخیر کشتی گیران خوبی از روسیه و گرجستان جذب کشورهای مختلف آسیایی مانند شده‌اند و مقدمه کشورهای به ویژه در اوزان پرامید ما از نظر کسب مدال مطمئنا کسب مدال نیستیم اما کسب چند مدال طلا بعدی وجود مدال در کشتی آزاد و دو مد

خبر

«سمفونی پیروزی» در سالروز ورود آزادگان نواخته می‌شود

باشگاه خبرنگاران: ارکستر سمفونیک تهران به همراه گروه کر با رهبری میهمان نادر مرتضی پور و خوانندگی رشید وطن دوست در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و سالروز ورود آزادگان سر افراز به میهن، ۲۴ مرداد ماه ساعت ۱۸ در تالار وحدت به روی صحنه می‌رود. سمفونی پیروزی اثری فاخر تولید شده توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران به آهنگسازی استاد مجید انتظامی است. در این اجرا قطعات خیزش و اتحاد - ایستادگی، مقاومت و مقابله - پیروزی، سازندگی و حرکت در مسیر پیشرفت- اقتدار و امید به آینده، توسط هنرمندان ارکستر سمفونیک تهران نواخته می‌شود.

«زرورق» رونمایی می‌شود

ایبنا: در مراسم رونمایی از کتاب «زرورق»، سروده محمدرضا طهماسبی، محمود اکرمی‌فر و بهمن بنی‌هاشمی به نقد و بررسی این اثر می‌پردازند. همچنین میلاد عرفان‌پور، کارشناس‌مجری این نشست خواهد بود. محمدرضا طهماسبی شاعری جوان است که دو بار کتاب‌های شعر او نامزد کتاب سال شده و وی برنده سرو بلورین جشنواره شعر فجر در سال ۹۶ شده است. کتاب شعر او بیش از هر چیز ریشه در اعتقاد وی دارد. از ویژگی‌های مشترک غزل‌ها و قصاید طهماسبی، تکنیک‌های به کار رفته در آن‌هاست. همواره می‌توان از لحن صمیمی و عاطفی در غزل‌ها، زیبایی قصیده‌ها و تکنیک در شعرهای او نام برد.

گفت‌وگو با احمد یوسف‌زاده

به بهانه بازخوانی دو کتاب «آن بیست و سه نفر» و «اردوگاه اطفال»

حماسه ۱۷ ساله‌های جنگ

ادب و هنر: / خدیجه زمانیان | کتاب «اردوگاه اطفال» در ادامه خاطرات « آن بیست و سه نفر» نوشته شده است؛ این اثر خاطرات سه سال از دوران اسارت نوجوانانی را در برمی‌گیرد که هشت سال از شادترین سال‌های زندگی‌شان را پشت میله‌های زندان گذراندند. نوجوانانی ۱۴ و ۱۵ ساله که از آزادی خودشان گذشتند و اسارت هشت ساله را به جان خریدند تا وطن شان اسیر بیگانگان و دشمنان نشود. اسارتی که حتماً در آن شادی‌ها و سرگرمی‌های معمول دوران نوجوانی وجود ندارد اما پر است از گرسنگی، ناامنی، کتک، نداشتن امکاناتی مثل لباس کافی در سرمای زمستان، نداشتن آب برای استحمام، سوز زمستان تا مغز استخوان و تنگی نفس در تابستان از گرمای هوا در آن سلول‌های گرم و طاقت فرسا. احمد یوسف‌زاده با انتشار کتاب «اردوگاه اطفال» دو جلد از سه گانه‌ای را که قرار است درباره اردوگاه اطفال و شرایط اسارت نوجوانان بنویسد، منتشر کرد. به گفته او، دو کتاب «آن بیست و سه نفر» و «اردوگاه اطفال» برهه‌های کودکی و نوجوانی و سه سال از دوران اسارت این نوجوانان را در بر می‌گیرد که این خاطرات تا پایان سال ۶۳ است و پنج سال آخر این دوران هم در مجلدی جدا منتشر خواهد شد.

پنجره تازه در ادبیات دفاع مقدس

یوسف‌زاده با نوشتن موضوع بکر و پرکشش خاطرات ۲۳ نوجوان ایرانی در سلول‌های استخبارات عراق، نقش این نوجوانان را در جنگ و دفاع مقدس نشان داد و با نوشتن این اثر پنجره تازه‌ای را در ادبیات دفاع مقدس گشود.

این موضوع چنان جذاب بود که کتاب، به محض انتشارش مورد توجه و تقریظ رهبر معظم انقلاب قرار گرفت و رهبر معظم خواستند این خاطرات به کتاب‌های کودک و نوجوان هم راه پیدا کند.

خاطرات چهار ماه اول زندگی نوجوان در سلول‌های استخبارات بغداد و ماجرای جذاب ۲۳ نفر و ملاقاتشان با صدام در کتاب «آن بیست و سه نفر» منتشر شد، اما پس از چند ماه با اضافه شدن اسیران کوچک و کم سن و سال دیگر همه این اسرا به اردوگاه دیگری می‌روند که نام آن اردوگاه، اردوگاه اطفال است و کتاب «اردوگاه اطفال» نیز خاطرات همین روزها و سال‌هاست. درواقع از آن جایی که «آن بیست و سه نفر» تمام می‌شود «اردوگاه اطفال» آغاز می‌شود.

می خواستم نقش نوجوانان را در جنگ نشان دهم

در صفحه امروز با احمد یوسف‌زاده به بازخوانی این دو کتاب پرداخته‌ایم و از او در خصوص دلایل توجه و اقبال مخاطب به این دو کتاب در این اوضاع نشر پرسیده‌ایم که می‌خوانید.

«این کتاب‌ها از این جا جذاب می‌شود که مخاطب با خواندن آن‌ها متوجه می‌شود قسمت سنگین بار اسارت بر دوش اسیران نوجوان بوده است اسیرانی که بین ۱۴ تا ۱۹ سال داشتند و می‌خواستند از آن‌ها برای مقاصد تبلیغاتی استفاده کنند». یوسف‌زاده می‌گوید: «در اردوگاه اطفال مرتب خبرنگار می‌آمد. رسانه‌ها می‌خواستند با انعکاس اخبار ما، علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغ کنند که ایران این بچه‌ها را به زور به جنگ فرستاده است. اما همه این تبلیغات با شکست روبه رو شد، استقامت بچه‌ها در مقابل تبلیغات عراقی‌ها، واکنش عراقی‌ها را که گاه بیرحمانه می‌شد، بر می‌انگیخت و باعث اتفاقاتی مثل اعتصاب غذا، زندان‌های انفرادی و شکنجه می‌شد». اما با خواندن این کتاب‌ها متوجه می‌شویم بچه‌ها، اسیر فضای اسارت نمی‌شدند و در کنار همه سختی‌های اسارت، اتفاقات شادی به مقتضای سن و سال شان رقم می‌زدند. همه این خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در دو کتاب یوسف زاده نوشته شده است. اتفاقاتی که مخاطب با خواندن آن‌ها هم می‌خندد و هم اشک می‌ریزد.

آنچه می‌خوانید

با خواندن این کتاب‌ها متوجه می‌شویم بچه‌ها، اسیر فضای اسارت نمی‌شدند و در کنار همه‌سختی‌های اسارت، اتفاقات شادی به مقتضای سن و سال شان رقم می‌زدند. همه این خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در دو کتاب یوسف زاده نوشته شده است

چرا «آن بیست و سه نفر» با استقبال روبه‌رو شد؟

به گفته نویسنده « آن بیست و سه نفر» اولین کتابی است که به صورت جدی به مقوله اسرای نوجوان پرداخته است. بعد از آن کتاب «همه سیزده سالگی‌ام» و «سرباز کوچک امام» نوشته شد اما به طور کلی حماسه ۱۷ ساله‌های دفاع مقدس و بخصوص دنیای اسارت برای اولین بار در «آن بیست و سه نفر» مطرح شد و همه اتفاقات خوبی که باید برای یک کتاب بیفتد برای این اثر افتاد. این کتاب بعد از انتشار مورد توجه جامعه قرار گرفت و در مدت پنج سال به بیش از ۶۰ چاپ رسید.

یوسف زاده در خصوص علت اقبال و توجه به این کتاب می‌گوید: «همه اتفاق هایی که باید برای یک اثر ادبی بیفتد تا اثر دیده شود برای «آن بیست و سه نفر» افتاد. مهم‌ترین آن تقریظ و توجه رهبر معظم انقلاب به این کتاب بود و نکته دوم، بکر بودن موضوع. تا به حال کسی این قدر جدی راجع به اسرای کم سن و سال چیزی نخوانده بود. شخصیتی به نام صدام حسین در کتاب هست که بچه‌ها را به حضور او می‌برند و همین موضوع ایجاد کشش می‌کند. توجه رسانه سیما و برنامه ماه عسل به این کتاب و روایت ساده و صمیمی که در نوشتن خاطرات به کار رفته است سبب شد این کتاب موردتوجه قرار بگیرد».

غیر از همه این‌ها کتاب «آن بیست و سه نفر» به زبان‌های روسی، ترکی استانبولی، ترکی آذربایجانی و به زبان عربی هم ترجمه شده است. همچنین کتاب صوتی و نمایش رادیویی این اثر هم منتشر شده و خلاصه اینکه در این بلبشوی نشر این کتاب با انبوهی اتفاق خوب روبه‌رو بوده است. البته به گفته نویسنده علت همه این اتفاق‌های خوب اخلاص آن بیست و سه نفر است. نوجوانانی که حاضر شدند در سنین نوجوانی همه رنج‌ها را تحمل کنند، هشت سال اسیر بمانند، پنج روز اعتصاب غذای خشک کنند ولی لحظه‌ای نپذیرفتند توسط صدام آزاد شوند و رهایی شان را در بند یافتند.

تغییرات ساختاری دو کتاب

«اردوگاه اطفال» هم با همان رویکرد «آن بیست و سه نفر» نوشته شده است اما در این اثر مخاطب با تغییرات ساختاری روبه‌رو می‌شود. یوسف زاده در خصوص این تغییر روایت می‌گوید:« به هر حال چون دو فضا با هم متفاوت است، شیوه روایت هم ناخودآگاه تغییر کرده است. فضای زندان استخبارات با اردوگاه اطفال فرق داشت. در استخبارات ما در یک اتاق زندانی بودیم اما در اردوگاه اطفال همه در یک اردوگاه بزرگ بودیم که دور تا دورش سیم خاردار بود و هشت بند داشت و در هر بند نزدیک ۶۰ نفر زندگی می‌کردند. طبیعی است در این فضا، اتفاق‌های بیشتری هم بیفتد، ضمن اینکه من تلاش کردم وقایع را به گونه‌ای شرح دهم که انگار مخاطب همه این سال‌ها با من زندگی می‌کرده برای همین تعداد روایت‌ها و قصه‌ها بیشتر هست و البته تفاوت دیگری هم با «آن بیست و سه نفر» دارد و آن وجود رگه‌های طنز در این کتاب است چون شخصیت‌ها متفاوت است و همین مسئله کتاب را جذاب‌تر کرده است».

در تاریخ ماندگار شدیم

واکنش آزادگان و اسیران در بند به نوشتن و انتشار کتاب چه بود، آن‌ها وقتی این خاطرات را خواندند چه گفتند؟ یوسف زاده می‌گوید:«همه افرادی که در اردوگاه بوده‌اند از نوشتن کتاب راضی‌اند. شاید تعداد زیادی از آن‌ها از شرایط موجود کشور ناراضی باشند اما از نوشتن کتاب راضی‌اند. آن‌ها می‌گویند با «آن بیست و سه نفر» در تاریخ ماندگار شدیم». یوسف‌زاده می‌گوید: «من اولِ کتاب نوشتم این کتاب بر اساس مشاهدات من بوده است و شاید اگر کس دیگری این خاطرات را می‌نوشت به گونه دیگری روایت می‌کرد. همه این خاطرات می‌تواند با ۴۰۰ نوع مختلف و به تعداد اعضای اردوگاه روایت شود اما من سعی کردم خاطرات جمعی را بنویسم و برای نوشتن آن‌ها از خوش حافظه‌ترین افراد کمک بگیرم».

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

دراجرای مادهٔ ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بدینوسیله آگهی اوراق مالیاتی با مشخصات زیربه مؤدیان نامبرده ابلاغ می گردد تا در زمان و مکان تعیین شده مراجعه و نسبت به رفع اختلاف احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند ، بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد .

ردیف	کلاسه	نام مودی	سال عملکرد	شماره و تاریخ برگ	نوع برگ	منبع مالیاتی	مبلغ مالیات به ریال	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۸۱	۱۱۲۸	شرکت تاسیساتی و ساختمانی طوس	۱۳۸۹	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۰۲	رای هیات	اشخاص حقوقی	۳۳,۰۰۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۲	۱۳۹۳	موسسه همیاران سلامت روان شرق کویر	۱۳۹۳	۱۳۹۷/۰۴/۱۴ - ۴۸۴۰۵۴۰۶	تشخیص	اشخاص حقوقی	۳,۲۵۰,۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۳	۱۳۹۰	موسسه همیاران سلامت روان شرق کویر	۱۳۹۰	۱۳۹۶/۰۹/۲۸ - ۴۲۴۰۹۱۳۳	دعوت به هیات بدوی	اشخاص حقوقی	۳,۲۵۰,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۴	۵۰۱	شرکت گاز رسانی توس گاز کاشمر	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۱۴ - ۴۸۴۰۷۹۷۳	تشخیص	اشخاص حقوقی	۱,۰۶۸,۷۵۰	حداکثر ۳۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۵	۵۰۱	شرکت گاز رسانی توس گاز کاشمر	۱۳۹۰	۱۳۹۶/۰۹/۸ - ۴۲۴۰۱۰۴۰۰	دعوت به هیات بدوی	اشخاص حقوقی	۱,۰۶۸,۷۵۰	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۶	۵۰۱	شرکت گاز رسانی توس گاز کاشمر	۱۳۸۹	۱۳۹۶/۰۲/۰۶ - ۳۲۹۷۵۱۹۲	دعوت به هیات بدوی	اشخاص حقوقی	۱,۴۲۵,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۷	۱۵۵۸	شرکت تعاونی کویر سازان ترشیز	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۰۶ - ۴۸۰۰۴۱۳	تشخیص	اشخاص حقوقی	۸,۰۰۰,۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۸	۱۵۵۸	شرکت تعاونی کویر سازان ترشیز	۱۳۹۰	۱۸۵۶۴۰۳۱	دعوت به هیات بدوی	اشخاص حقوقی	۲,۰۰۰,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت ۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۸۹	۵۷۸	شرکت خدمات لوله کشی گاز طا جوش شرق	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۱۴ - ۴۸۴۰۸۴۸۱	تشخیص	اشخاص حقوقی	۱۵,۵۰۰,۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۰	۱۰۲۶	خدماتی برق رسانی آرین نور	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۰۶ - ۴۸۰۰۶۱۷۰	تشخیص	اشخاص حقوقی	۴,۹۵۰,۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۱	۱۶۴۵	تعاونی سبز آفرینان ترشیز	۱۳۹۱	۱۳۹۷/۰۴/۱۹-۴۸۵۲۶۳۷	تشخیص	اشخاص حقوقی	۳,۳۷۵,۰۰۰	حداکثر ۳۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۲	۱۶۷۴	شرکت فنی مهندسی مبنا داتیس	۱۳۹۴	۴۷۴۴۶۳۴۲	دعوت به هیات بدوی	اشخاص حقوقی	۳۸,۰۰۰,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت ۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۳	۲۵	شرکت هزار عمران شرق	۱۳۸۹	۱۳۹۶/۱۰/۱۸ - ۱۷۲۴۶۳	رای هیات	ارزش افزوده		حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۴	۲۵	شرکت هزار عمران شرق	۱۳۸۸	۱۳۹۶/۱۰/۱۸ - ۱۷۲۴۶۱	رای هیات	ارزش افزوده		حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۵	۱۲/۰۳۷	فرشته قدوسی مقدم	۱۳۹۲/۱	۱۳۹۶/۰۶/۲۹ - ۱۰۱۸۷۸	رای هیات	ارزش افزوده		حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۶	۱۲/۰۳۷	فرشته قدوسی مقدم	۱۳۹۱	۱۳۹۶/۰۶/۲۹ - ۱۰۱۸۷۴	رای هیات	ارزش افزوده		حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۷	۱۲/۰۳۷	فرشته قدوسی مقدم	۱۳۹۰	۱۳۹۶/۰۶/۲۹ - ۱۰۱۸۷۰	رای هیات	ارزش افزوده		حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۸	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۸۸/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۰۸	رای هیات	ارزش افزوده	۱,۸۸۰,۲۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۹۹	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۲/۱	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۲۳	رای هیات	ارزش افزوده	۴,۵۰۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۰	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۲/۲	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ -۴۱۹۲۴	رای هیات	ارزش افزوده	۴,۵۰۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۱	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۲/۳	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۲۵	رای هیات	ارزش افزوده	۴,۵۰۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۲	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۲/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۲۶	رای هیات	ارزش افزوده	۴,۵۰۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۳	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۱/۱	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۷	رای هیات	ارزش افزوده	۳,۸۷۶,۲۱۸	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۴	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۱/۲	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۹	رای هیات	ارزش افزوده	۲,۹۵۰,۶۸۴	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۵	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۱/۳	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۲۰	رای هیات	ارزش افزوده	۵۱۶,۱۹۱	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۶	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۱/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۲۲	رای هیات	ارزش افزوده	۱,۴۰۴,۰۸۲	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۷	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۰/۱	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۳	رای هیات	ارزش افزوده	۲۱۹,۴۱۵	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۸	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۰/۲	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۴	رای هیات	ارزش افزوده	۳,۴۷۵,۵۷۴	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۰۹	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۰/۳	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۵	رای هیات	ارزش افزوده	۵۱۴,۱۱۴	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۰	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۹۰/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۶	رای هیات	ارزش افزوده	۸۹۷,۴۰۳	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۱	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۸۹/۲	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۰۹	رای هیات	ارزش افزوده	۴,۰۷۹	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۲	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۸۹/۳	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۰	رای هیات	ارزش افزوده	۱,۴۳۴,۵۰۹	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۳	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۸۹/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۱۲	رای هیات	ارزش افزوده	۱۶۹,۶۸۲	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۴	۴۰	شرکت معدنی کاوش در سرامیک	۱۳۸۸/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۰۸	رای هیات	ارزش افزوده	۱,۸۸۰,۲۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۵	۱۳۵	شرکت الطاف طوس	۱۳۸۹/۲	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۰۰	رای هیات	ارزش افزوده	۱۸۶,۴۵۹	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۶	۱۳۵	شرکت الطاف طوس	۱۳۸۸/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۹۷	رای هیات	ارزش افزوده	۵,۴۵۹,۱۸۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۷	۱۳۵	شرکت الطاف طوس	۱۳۸۸/۳	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۹۶	رای هیات	ارزش افزوده	۲,۹۵۳,۰۲۵	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۸	۱۳۵	شرکت الطاف طوس	۱۳۸۹/۲	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۰۰	رای هیات	ارزش افزوده	۱۸۶,۴۵۹	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۱۹	۱۳۵	شرکت الطاف طوس	۱۳۸۹/۱	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۹۹	رای هیات	ارزش افزوده	۱,۱۶۲,۷۰۶	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۰	۱۳۵	شرکت الطاف طوس	۱۳۸۹/۳	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۹۰۴	رای هیات	ارزش افزوده	۲۴۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۱	۱۳۵	شرکت الطاف طوس	۱۳۸۹/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲- ۴۱۹۰۵	رای هیات	ارزش افزوده	۲۴۰,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۲	۱۰۰۰۰	حمزه تیباشی	۱۳۸۸	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۹۴	رای هیات	مشاغل	۸۸,۸۹۲,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۳	۱۰۰۰۰	حمزه تیباشی	۱۳۸۹	۱۳۹۷/۰۳/۲۳ - ۴۶۷۵۴	رای هیات	مشاغل	۱۷۸,۸۰۲,۰۰۰	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۴	۱۰۰۰۰	حمزه تیباشی	۱۳۸۸	۱۳۹۷/۰۵/۰۲ - ۴۹۷۶۸	دعوت به هیات بدوی	مشاغل	۸۸,۸۹۲,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۵	۱/۰۱۰	رضا قادری	۱۳۸۹/۲,۳,۴	۱۳۹۵/۰۸/۲۹ - ۹۵۲۵۶	دعوت به هیات بدوی	ارزش افزوده	۶۴۵,۳۴۵	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۶	۱/۰۱۰	رضا قادری	۱۳۹۰/۱	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۸۸	رای هیات	ارزش افزوده	۷۰,۸۱۸	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۷	۱/۰۱۰	رضا قادری	۱۳۹۰/۲	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۸۹	رای هیات	ارزش افزوده	۱۱۴,۲۱۷	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۸	۱/۰۱۰	رضا قادری	۱۳۹۰/۳	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۹۰	رای هیات	ارزش افزوده	۲۵۵۶۲	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۲۹	۱/۰۱۰	رضا قادری	۱۳۹۰/۴	۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - ۴۱۸۹۲	رای هیات	ارزش افزوده	۱۱۷,۴۳۴	حداکثر ۲۰ روز پس از ابلاغ	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۳۰	۱۰۰۰۱	آقای صفری	۱۳۸۷	۱۳۹۷/۰۴/۰۷ - ۴۱۷۴۰	دعوت به هیات	مشاغل	۱۸,۵۰۷,۱۹۰	۱۳۹۷/۰۶/۱۷ ساعت۱۸	اداره امور مالیاتی کاشمر
۱۳۱	۵۲۶۵۰۰۰/۰۱۳	رحیم حلوانی	۱۳۹۰	۱۳۹۷/۰۲/۲۷ - ۱۲۶۲۷	قطعی	مشاغل	۱۹۷,۹۴۴,۷۸۰	تا ۱۰ روز پس از ابلاغ	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی خراسان رضوی اداره ۱۹۰۵
۱۳۲	۱۳/۴	محمود حسن پور علاف	۱۳۸۸	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۴۴	دعوت به هیات	اجاره داری	۱۲,۹۰۰,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۳۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۳۳	۱۳/۴	محمود حسن پور علاف	۱۳۸۹	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۴۴	دعوت به هیات	اجاره داری	۱۲,۹۰۰,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۳۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۳۴	۱۳/۴	حسن حسن پور علاف	۱۳۸۸	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۳۸	دعوت به هیات	اجاره داری	۱۲,۹۰۰,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۳۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۳۵	۱۳/۴	حسن حسن پور علاف	۱۳۸۹	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۳۸	دعوت به هیات	اجاره داری	۱۲,۹۰۰,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۳۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۳۶	۲/۰۳۹	محسن ساداری	۱۳۸۷	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۳۳	دعوت به هیات	مشاغل	۸,۸۲۳,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۰۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۳۷	۲/۰۳۹	علی اسدی پور	۱۳۸۷	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۳۴	دعوت به هیات	مشاغل	۸,۸۲۳,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۰۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۳۸	۲/۰۳۹	علیرضا اسدی پور	۱۳۸۷	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۳۶	دعوت به هیات	مشاغل	۸,۸۲۳,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۰۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۳۹	۲۱۹۲/۰۰۱	ابوالفضل حمدی	۱۳۹۴	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۳۱	دعوت به هیات	مشاغل	۵۷,۵۴۲,۴۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۰۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۴۰	۲۵۳۶/۰۰۱	مجتبی پارسا	۱۳۹۵	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۲۹	دعوت به هیات	مشاغل	۵۲,۱۴۷,۸۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۰۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۴۱	۹/۸۶	سید حمزه گل بار	۱۳۹۵	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۵۳	دعوت به هیات	اجاری املاک	۱۵,۸۹۲,۲۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۳۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۴۲	۱۳/۸۹	حمیده دورنده	۱۳۹۲	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۴۷	دعوت به هیات	اجاری املاک	۸۹,۸۶۴,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۳۰	خیابان امام خمینی- سه راه پاسداران اداره کل امور مالیاتی- هیات حل اختلاف
۱۴۳	۱۳/۸۹	حمیده دورنده	۱۳۹۳	۹۷/۰۴/۳۱ - ۷۱۰۴۷	دعوت به هیات	اجاری املاک	۹,۷۳۲,۰۰۰	۱۳۹۷/۰۶/۰۶ساعت ۰۹:۳۰	خیابان امام خمینی- سه راه پ

دو کلمه «حرف حساب» با کیا داوود اسفندیاری مجری برنامه اقتصادی «پایش»

قانون از افشاکنندگان فساد حمایت نمی‌کند

سیما و سینما/ فاطمه عامل‌نیک | کیا داوود اسفندیاری متولد سال ۱۳۵۸ در تهران است. وی تحصیل کرده دبیرستان البرز و دارای مدرک کارشناسی خبرنگار اقتصادی و کارشناسی ارشد مدیریت کار آفرینی است. این مجری به غیر از حضور در برنامه‌های تلویزیونی به کار تدریس و دادن مشاوره در امر کسب و کار و همچنین خبرنگاری مشغول است.

مخاطبان صدا و سیما او را به خاطر برنامه پایش و حرف حساب می‌شناسند، دو برنامه که اسفندیاری عمده شهرتش را مدیون آن‌هاست. او همچنین مجری برنامه سرزمین ما و برنامه‌های باشما و کلید و برنامه‌های اقتصادی رادیو است. بی تعارف و صریح بودن از جمله ویژگی‌های این مجری تلویزیون محسوب می‌شود. دو خصوصیتی که به او در اجرای برنامه‌های اقتصادی کمک کرده است و به همین خاطر برنامه‌های او به جای اینکه صرف مطالب علمی یا تحقیقی شوند، بیشتر حول مشکلات اقتصادی جامعه و مردم می‌چرخند. درست است که فضای جامعه و رسانه‌ها مدتی است که بر محور شفاف سازی بخصوص در حوزه اقتصاد می‌چرخند، اما اسفندیاری معتقد است او جزو پیشگامان شفاف سازی در رسانه بوده است و همین ماجرا گاه موجب دردسرش شده است. با او درباره تجربیاتش در دوبرنامه پایش و حرف حساب و مسیر پیش روی آن‌ها به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

◆ چه شد که سراغ ساخت برنامه اقتصادی رفتید؟

به طور اتفاقی مسیر من به سمت اقتصاد رفت. البته این موضوع اندکی هم به سبک زندگی من مربوط می‌شود، من از دوران دبیرستان وارد کار شدم و بعدها در دانشگاه رشته خبرنگاری با گرایش اقتصاد خواندم. وقتی هم به عنوان یک خبرنگار مشغول به کار شدم، در همین حوزه کارم را شروع کردم و این زمینه موجب شد که در تلویزیون هم به همین سمت گرایش پیدا کنم.

◆ این روزها بحث مجری‌گری در رسانه ملی داغ است و بسیاری از سازندگان با انتخاب یک چهره به دنبال موفقیت کارشان هستند، به نظر شما یک مجری در موفقیت یک برنامه چقدر مؤثر است؟

مجری به تنهایی برای دیده شدن یک برنامه و موفقیتش نمی‌تواند، مؤثر باشد. مهم‌ترین چیز در هر برنامه نقشه و محتوای برنامه است. بعد از آن بخصوص در برنامه‌های گفت‌وگو محور، میهمان و مجری و سوژه هم سه عامل کلیدی هستند. در برنامه‌های گفت‌وگو محور مجری باید بتواند، در لحظه شرایط را مدیریت کند و هدایت برنامه را به دست بگیرد، این کار بدون تسلط بر محتوا امکان‌پذیرنخواهد بود. بماند که مجری به جز سواد به مهارت‌های دیگری مانند مهارت در بیان احتیاج دارد و به جز این باید بتواند، در زمان مقتضی سرگرم کننده و طناز هم باشد. در برنامه‌هایی مانند برنامه ما مجری باید برندش برای مردم و مخاطب قابل قبول و جذاب باشد. همه آدم‌ها یک برندی دارند و به یک شخصیتی در ذهن مخاطب شناخته می‌شوند، شاید یک چهره در جلب نظر مخاطب کمک کند، اما در کارهای تخصصی این جذابیت به تنهایی مؤثر نیست.

گاه اگر بخواهیم گفت‌وگوی مؤثر و دقیقی داشته باشیم به یک پشتوانه بیست ساله احتیاج داریم و اینطور نیست که مثل بعضی از کارهای ژورنالیستی با چند ساعت جست‌وجو و طرح چند سؤال ساده به نتیجه رسید و گفت‌وگو گرفت، در همین حوزه ژورنال هم وقتی بحث کار عمیق پیش می‌آید، همه می‌دانند باید به سراغ کاربلد این حوزه رفت تا بتوان خروجی قابل قبولی داشت. من در برنامه خودم با یک پشتوانه تحقیقی وارد کار شدم. بیست سال تحقیق همراه من است که گاه حتی به کارم هم نیامده است، چون شرایط کار فراهم نبوده است، به عنوان مثال آرزو به دل من مانده است با یک مسئول مثلاً در حد وزیر بتوانم راحت گفت‌وگو کنم و بدون نگرانی سؤال بپرسم اما تا به حال این فرصت برایم فراهم نشده است.

◆ محورها و سوژه‌های برنامه را چطور انتخاب‌می‌کنید؟

محور اصلی برنامه ما شفافیت است. بعد از آن به دنبال شرایطی هستیم که شفاف‌سازی کمک کند، فساد کاهش پیدا کند و امکان طرح نظرات مردم فراهم شود. محور بعدی برنامه ما حمایت از کسب و کار است و بعد از آن با طرح مشکلات و پیگیری از مسئولان به دنبال رفع موانع کسب و کار هستیم. محور چهارم برنامه ما انگیزه بخشی به جوانان و فعالان کسب و کار است. الان فضایی است که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی بشدت به این چند محور احتیاج داریم و به همین خاطر ما انتخاب کردیم قبل از هر کار به فساد و به طرح مشکلات مردم بپردازیم. زمانی که ما در برنامه مان شفافیت در مشکلات اقتصادی را مطرح کردیم، کسی هنوز به بحث شفافیت نمی‌پرداخت. کار دیگری که در برنامه به دنبالش هستیم، معرفی کردن کارآفرینان به عنوان قهرمانان امروزی بود، چیزی که مردم هم پذیرفتندو به آن توجه کردند.

◆ این رویکرد تا چه میزان دربرنامه شما جواب داد؟ آیا توانستید به اهدافتان برسید و از طرف مردم هم دیده شدید؟

متأسفانه تا به حال چندان برنامه اقتصادی موفقی در تلویزیون نداشتیم. من به یاد ندارم قبل از برنامه‌های «حرف حساب» و «پایش» برنامه گفت‌وگو محور و برنامه ترکیبی اقتصادی خوبی از تلویزیون پخش شده باشد.به هر حال «حرف حساب» توانست به خاطر مطرح کردن موضوعات اقتصادی کوچک خانواده‌هاکه تا به حال در صدا و سیما گفته نشده بود ارتباط نزدیکی با خانه‌دارها برقرار کند. این موضوع موجب شد تعداد پیامک‌های این برنامه به شکل عجیبی بالا برود تا آنجا که گاهی وقت‌ها اگر کل پیامک‌های برنامه‌های شبکه یک را جمع می‌کردی به اندازه برنامه حرف حساب نمی‌شد. البته بعد از مدتی تعداد پیامک‌ها افت کرد. به هر حال در اوج نگه داشتن هم هزینه می‌خواهد و هم احتیاج به خلاقیت دارد. متأسفانه دیگر عوامل تأثیرگذار خیلی این همراهی را نداشتند.

> **برش**
>
> ما خاکریز به خاکریز پیش رفتیم و کم کم توانستیم خاکریزهای شفافیت و طرح بحث مفاسد اقتصادی را فتح کنیم و توانستیم اندکی جلوتر برویم. این دست مباحث صفر و یکی نیست و یک دفعه نمی‌توانیم یک کلید بزنیم و فکر کنیم همه چیز درست می‌شود

◆ به نظر شما یک برنامه تلویزیونی می‌تواند جریان سازی کند و به حل مشکلات و موانع کمک کند یا مسئله‌ای را ریشه یابی کرده و به نتیجه برساند؟

رسانه قدرت این را دارد که جریان سازی کند، ما با فشارهایی که به نمایندگی از افکار عمومی در بعضی از مباحث وارد کردیم، توانستیم در این چندسال تأثیرگذار باشیم. نمونه‌اش قانون حقوق و مزایای مدیران دولتی بود که تصویب شد البته هنوز به اجرا نرسیده است. بحث مجوزهای دست و پاگیر و تمرکزش در یک نهاد و مؤسسه در برنامه ما پیگیری شد که به نتیجه رسید و به ایجاد سایت ایران مجوز رسید. الان برنامه ما اینجوری است که یک نفراز مردم که در حوزه کسب و کار دچار مشکل شده است، طرح بحث می‌کند و اگر درست باشد برنامه ما این موضوع را پیگیری می‌کند، در ابتدا افراد و مقامات درگیر مقاومت می‌کردند، اما الان این حساسیت برطرف شده و ستاد پیگیری مشکلات راه اندازی شده و گاه حتی خود افراد تماس می‌گیرند و پاسخگو هستند.

◆ اگر تا این میزان می‌توان تأثیرگذار بود،چرا تعداد اینگونه برنامه‌ها در تلویزیون اندک است؟

به هرحال این کارها دردسرهایی هم دارد. مدیران و حتی فعالان رسانه‌ای چندان نمی‌خواهند، وارد این ماجراها شوند. ما خودمان انتخاب کردیم که این دردها را به جان بخریم تا وضعیت کسب و کار بهتر شود، اما در این میان مدیران یا فعالان رسانه‌ای را نمی‌شود متهم کرد که چرا کم کار شده‌اند، ما در حوزه حقوقی کاستی‌هایی داریم، اگر امروز شما وارد یک ماجرایی شده و از شما شکایت شود، قانونی نیست که بدرستی از شما حمایت کند. فکر کنید که شما کاری می‌کنید که به هرحال به موفقیت رسیده و درآمدی کسب می‌کنید، اما همه چیز برعکس شده و اگر کار به شکایت برسد تازه باید به دنبال پول وکیل و سایر ماجراها هم باشید. به همین خاطر آدم‌های اندکی پیدا می‌شوند، که به خاطر مسئولیت اجتماعی از منافع شخصیشان می‌گذرند و وارد گود می‌شوند. قانون از افشاکنندگان فساد حمایت نمی‌کند. مردم هم نمی‌توانند در گرفتاری به شما کمک کنند، من یک دوره‌ای بیکاری را تجربه کرده‌ام واقعاً سخت است و تقریباً کسی نیست که به داد شما برسد. اگر می‌خواهیم شرایط بهتر شده و رسانه وارد این بحث‌ها شود، باید کمک کنیم تا فشارها پایین بیاید.

بافت فرهنگی و اجتماعی ما پذیرش انتقاد و شفافیت را ندارد. حتی یک مدیر ساختمان هم در یک آپارتمان کوچک نمی تواند، نقد بپذیرد یا ما در خانه خودمان نمی توانیم این شرایط را ایجاد کنیم. مشخص است که در اندازه بزرگتر هم شرایط اینطور نیست. به هر حال ما در دوره‌ای وارد کار شدیم که این بحث ها بسیار کمتر بود و در واقع ما خاکریز به خاکریز پیش رفتیم و کم‌کم توانستیم خاکریزهای شفافیت و طرح بحث مفاسد اقتصادی را فتح کنیم و توانستیم اندکی جلوتر برویم. مدیران تلویزیون هم حمایت کردند اما دقت داشته باشید که این دست مباحث صفر و یکی نیست و یک دفعه نمی‌توانیم یک کلید بزنیم و فکر کنیم همه چیز درست می‌شود.

◆ شما در این سال‌ها فراز و نشیب‌هایی را طی کرده‌اید و برنامه تان با تغییر ساعت و تعطیلی هم مواجه شده است به نظرتان برای ادامه مسیر چه باید کرد؟

ما در این مدت همه تلاشمان را کرده‌ایم. منتهی یک دست صدا ندارد. ببینید اکنون در تلویزیون و خارج از تلویزیون و رسانه‌ها چقدر به مسائل اولویت‌دار پرداخته می‌شود؟ چقدر تیتر و خبر درباره لباس فلان مجری و سلفی فلان هنرپیشه می‌بینیم و در عوضش چقدر حرف مردم شنیده می‌شود.

فعالان رسانه‌ای چقدر وقت می‌گذارند که یک پرونده را پیگیری کنند و به نتیجه برسانند؟ چند نفر وقت می‌گذارند که از یک مشکل پرده بردارند یا یک پرونده فساد را کارکرده و برملا کنند. اگر کمی در دغدغه‌هایمان تجدیدنظر کنیم و به مسائلی که اولویت مردم در آن است بپردازیم، قطعاً منجر به اتفاق‌های خوب خواهد شد. چنانکه ما در برنامه‌مان تجربه‌اش را داشتیم. بدون شک با ایجاد قانون حمایتی، تربیت ژورنالیست دغدغه‌مند و حرفه‌ای به نتایج بهتری خواهیم رسید و رسانه‌های ما نقششان پررنگ‌تر خواهد شد.

گزارش

نقد و بررسی فیلم «خاله قورباغه» که تنها فیلم کودک روی پرده است

لنگ‌کفش کهنه یا کاسبکاری به نام کودک؟

سیما و سینما/ زهره کهندل | عروسک‌های سینمای ایران برای ما همیشه عروسک‌هایی خاطره ساز بوده‌اند، از شخصیت‌های دوست داشتنی کلاه قرمزی گرفته تا موش‌های بامزه شهر موش ها.

این روزها عروسک دیگری هم به جمع عروسک‌های سینمای ایران اضافه شده است؛ خاله قورباغه‌ای که کلی نوه دارد و قصه هایی پیرامون ارتباطش با آن‌ها شکل می‌گیرد. این فیلم که اکنون بر پرده سینماهاست، نظرات موافق و مخالفی را همراه داشته است. عده‌ای با توجه به فقر سینمای کودک و آثار اندکی که در این حوزه تولید می‌شوند، خاله قورباغه را مصداق نعمتی در بیابان دیده و می‌گویند باید به همین حداقل‌ها هم دلخوش بود و از آن‌ها پشتیبانی کرد و در برابر مخالفان با اشاره به همین کمبود معتقدند اگر در این فضا قرار است روی اثری در سینمای کودک و نوجوان سرمایه گذاری بشود، بهتر است محصولاتی تولید شوند که هرچند اندک اما همسو با نیاز مخاطب باشند.

همراهی بچه ها، مهم‌ترین نشانه موفقیت فیلم

حسین قناعت، کارگردان فیلم‌های کودک و نوجوان معتقد است که فیلم «خاله قورباغه» فیلم خوب و شریفی است. او به خبرنگار ما می‌گوید: من این فیلم را همراه بچه‌ها در سالن دیدم، فیلم ریتم خوبی داشت به طوری که بچه‌ها را سرگرم کرده بود.

این فیلمساز با اشاره به فقر آثار سینمایی کودک و نوجوان خاطرنشان می‌کند: در این شرایط فیلم کودکی که بتواند اکران بشود و بچه‌ها را به سالن بکشاند، به طور قطع می‌تواند میان خانواده‌ها و سینما، آشتی برقرار کند.

به گفته قناعت، فیلم هایی همچون فیلم خاله قورباغه، این خاصیت را دارند و میزان فروش بالای یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومانی، نشان دهنده موفقیت آن در گیشه است.

بخش خصوصی تمایلی به سرمایه گذاری در فیلم کودک ندارد

وی درباره اینکه بخش خصوصی به دلیل نگرانی از بازگشت سرمایه چندان تمایلی به سرمایه گذاری در ساخت فیلم‌های کودک و نوجوان ندارد، می‌گوید: هر مرکز و نهادی که بتواند به ساخت فیلم‌های کودک و نوجوان کمک کند قطعاً موجب رونق این سینما خواهد شد، به نظرم وظیفه نهادهای سرمایه گذار در حوزه سینما این است که بخشی از بودجه خودشان را در اختیار سینمای کودک قرار بدهند. اکنون تنها حامی که برای سینمای کودک می‌شناسم بنیاد سینمایی فارابی است. البته شنیده‌ام که حوزه هنری هم در این عرصه حمایت‌های خوبی را در برنامه دارد.

او ادامه می‌دهد: برای ساخت این آثار، سرمایه گذار خصوصی سخت پیدا می‌شود و یکی از دلایلش این است که سال‌هاست مردم با سینمای کودک قهر کرده‌اند زیرا فیلم‌های کودک و نوجوانی که در سینمای ایران اکران شود و خانواده‌ها را به سینما بکشاند، کم داشتیم.

در این شریط، حضور و وجود فیلم هایی همچون خاله قورباغه غنیمت است.

کودکان و نوجوانان را فراموش کردیم

جبار آذین، منتقد سینما اما نظر مثبتی درباره فیلم «خاله قورباغه» ندارد و می‌گوید: در شرایطی که اکران‌های سینمایی در کشور ما نوعی بازار مکاره است، فروش بالای یک و نیم میلیاردی این فیلم هم چیز عجیبی نیست چون در این شرایط قبل از هر چیزی قدرت مالی، تبلیغاتی و رابطه، حرف اول را می‌زند و فیلم هایی که این امکانات را ندارند، نه تنها فروشی ندارند بلکه خیلی زود از پرده سینما برداشته می‌شوند.

به باور او، مدت هاست در کشورمان، سینمایی به نام کودک و نوجوان نداریم اگرچه با تلاش عده‌ای از فیلمسازان و کمک برخی از نهادها و ارگان‌ها و به همت سرمایه شخصی، فیلم‌های کودکانه ساخته می‌شود اما این تولیدات پیش از آنکه نتیجه نیاز مخاطب به این نوع سینما باشد، محصول هم اندیشی سازندگان این اثر است از همین رو با خواست، سلیقه، دنیا و تفکرات کودکان و نوجوانان فاصله دارد. آذین با بیان اینکه سال‌هاست که کودکان و نوجوانان را فراموش کرده‌ایم و فیلمسازان ما با آمال و خواسته‌های کودکان همسو نیستند، خاطرنشان می‌کند: فیلم هایی که توسط برخی از ارگان‌ها و نهادهای دولتی ساخته می‌شود قبل از اینکه پاسخگوی نیاز مخاطب این سینما باشد، محصول دستورالعمل مدیریتی آن نهاد و ارگان هاست.

حالا بعد از مدت‌ها فیلمی ساخته شده که پشتوانه مالی قوی دارد و کسانی آن را تولید کرده‌اند که به منابع قدرت در سینما وصل هستند و از وام‌های دولتی بهره مند شده‌اند.

به باور او، نگاه سازندگان فیلم خاله قورباغه، نگاه کاسبکارانه بوده تا نگاه فرهنگی به مخاطب و جامعه.

این منتقد سینما می‌گوید: این‌ها از ابتدا به دنبال ایجاد نوعی رقابت و جلو زدن از فیلم‌های پرفروش سینمای ایران همچون شهر موش‌ها و کلاه قرمزی بودند و تمام عناصر این فیلم‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند اما بدون خلاقیت و نوآوری از مؤلفه‌هایی که همسو با خواسته و نیاز مخاطب باشد، بهره نبرده‌اند.

بر مدار کلیشه با نگاهی به گیشه

اگر این فیلم ویژگی‌های ساختاری و محتوایی مناسبی داشت با تبلیغات خوب، می‌توانست بیش از این در گیشه بفروشد زیرا مخاطب نیاز دارد فیلم هایی را ببیند که هم با آن‌ها سرگرم شود و هم از نظر مضمون از آن‌ها چیزی بیاموزد ولی خاله قورباغه با نگاهی سوداگرانه به گیشه بر مدار کلیشه حرکت کرده است.

آذین با بیان این مطلب ادامه می‌دهد: استفاده از ساز و آواز و موسیقی هم در این فیلم نوآورانه نیست، از نظر ساختار اگرچه این فیلم از فیلم‌های درجه سه کودک و نوجوان بالاتر است اما از فیلم‌های درجه یک این حوزه، خیلی فاصله دارد. با وجود تلاش‌های مالی و تبلیغاتی که برای این فیلم صورت گرفته است، خاله قورباغه نتوانسته پاسخگوی نیاز کودک و نوجوان باشد و به نزدیکی رقابت با فیلم‌های مطرح کودک و نوجوان نرسیده است.

این منتقد سینما با بیان اینکه قهرمانان فیلم‌های کودک و نوجوان معمولاً متعلق به دنیای کودکان هستند، یادآور می‌شود: وقتی قرار است مخاطب با شخصیت‌های یک فیلم کودکانه، همذات پنداری کرده و تا انتهای قصه آن‌ها را دنبال کند، باید آن‌ها را درک کند در حالی که در این فیلم چنین نیست و شخصیت اصلی فیلم، خاله قورباغه است که بالا بودن سنش مانع ایجاد ارتباط با مخاطب کودک و نوجوان می‌شود و این فیلم بیش از اینکه نتیجه نیاز مخاطب باشد، محصول نگاه مدیریتی است.

وی با تأکید بر اینکه سینمای کودک و نوجوان نیاز به احیا و اصلاح اساسی دارد، خاطرنشان می‌کند: با وجود اینکه سینمای کودک و نوجوان، از نظر محتوا و مضمون فقیر است جشنواره بین المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود که در آستانه برپایی سی و یکمین دوره آن هستیم اما تولیداتی نداریم که در این جشنواره ارائه دهیم، ضمن اینکه تولیدات این عرصه هم کمتر سمت و سوی احتیاج مخاطب را در نظر می‌گیرند.

یادداشت

سید مصطفی حسینی راد

به احترام فیلم حماسی «تنگه ابوقریب» ساخته بهرام توکلی

«ابوقریب» دیگر غریب نیست

هزارپا نه، دارکوب نه، تگزاس نه، دشمنِ زن نه، من دیوانه نیستم نه؛ برای «تنگه ابوقریب» می‌نویسم. برای فیلمِ شریفی که در ابتذال این روزهای سینمای ایران، حالت را خوب می‌کند و سبب می‌شود به طور کامل از سینما و سینماگران وطنی که این روزها انگار طعم گیشه، حسابی ذوق و ذائقه‌شان را عوض کرده، ناامید نشوی و با خودت فکر کنی هنوز هم در این سینما کسانی هستند که دوست دارند فیلم شریف بسازند.

غریبانه در میان جمع

با خانواده وارد مجتمع بزرگ سینمایی می‌شوم که پوستر و آنونس‌های فیلم‌های این روزها را بر در و دیوار خود دارد. رنگ رخسار پوسترها خبر می‌دهد از سرّ درونشان و اینکه می‌شود مطمئن بود هیچ‌یک از این فیلم‌ها را با دو فرزند نوجوانت نمی‌توانی ببینی. فیلم‌هایی که وقتی معرفی و تیزرهایشان را بررسی می‌کنم می‌بینم چیزی جز رقص و آواز و لودگی و عشق‌های امروزی شده فیلم‌فارسی‌های دیروزی و البته شوخی‌های سخیف جنسی که حتی در فیلم فارسی‌های دیروزی هم نبود، چیز دیگری ندارند.

وقتی دختر نوجوانم به پوستر یکی از این فیلم‌ها که یک هنرپیشه بدون‌حجاب خارجی را در حال نزدیک کردن لبش به یک هنرپیشه داخلی در یک فریم قرار داده نگاه می‌کند، من همراه او خجالت می‌کشم و می‌گویم بیا برویم بابا این فیلم خوبی نیست!

با بچه‌ها صحبت می‌کنم و خوشبختانه راضی می‌شوند که فیلم دفاع مقدسی «تنگه ابوقریب» را ببینیم. فیلمی که شاید در میان این همه فیلم‌هایِ از نوع دیگر، غریب افتاده باشد.

وارد سالن که می‌شویم، ما چهار نفر هستیم و شاید چهار نفر دیگر! غمگین می‌شوم از اینکه متاع سینمای دفاع مقدس چقدر کم‌مشتری شده است. اما خوشبختانه تا تیتراژ آغازین فیلم تمام نشده نیمی از صندلی‌های سینما پر می‌شود، آن هم در ساعتی که ساعت استراحت مردم است و نه ساعت سینما رفتن.

نگران هستم که دختران ۹ و ۱۶ ساله‌ام که هیچ نوستالوژی و خاطره‌ای از روزهای دفاع مقدس ندارند نتوانند با صحنه‌های این فیلم که بشدت برای من خاطره‌انگیز است، ارتباط بگیرند. اما باز هم خوشبختانه این طور نمی‌شود و وقتی هر از چندی زیرچشمی، آن‌ها را زیر نظر می‌گیرم می‌بینم که محو تماشای فیلم شده‌اند.

فیلمی متفاوت در سینمای جنگ

«تنگه ابوقریب» فیلم متفاوتی در سینمای دفاع مقدس و سینمای جنگ ماست. فیلمی که شبیه آن را کمتر دیده‌ایم. بشدت واقع‌گرا و رئال و بشدت نوستالوژیک و مجذوب کننده. برای این فیلم زحمت‌های زیادی کشیده شده و فقط کسی که پشت صحنه سینما را از نزدیک دیده باشد می‌فهمد که جمع کردن این همه آدم در کنار بازیگران فیلم، فضاسازی سال‌های جنگ و تهیه دکور و لباس به صورتی که مخاطب عادی سینما اصلاً هیچ گوشه‌ای از کار، توی ذوقش نزند چقدر کار دشواری است.

جلوه‌های ویژه فیلم که خود حکایت مستقلی است. صحنه‌های فوق‌العاده انفجارها، شلیک‌ها، گلوله‌خوردن‌ها و به خاک و خون افتادن‌ها بسیار خوب و عالی از کار درآمده و باید تأکید کرد که از بهترین‌های سینمای دفاع مقدس تا امروز است.

نکته ویژه و جالب برای من در این فیلم این بود که شما در یک فیلم جنگی که تقریباً تمام صحنه‌های آن در میدان نبرد می‌گذرد حتی یک بار چهره یک سرباز دشمن را نمی‌بینید. حتی یک بار صحنه به خاک افتادن یک سرباز دشمن را نمی‌بینید و از این زاویه، این فیلم بشدت از شعار دادن‌های مرسوم فیلم‌های جنگی ما فاصله دارد. هر چه رویارویی هست، رویارویی رزمندگان گردان عمار است با تانک‌های بعثی و گلوله‌های تانک و تن‌هایی که هدف تیر مستقیم قرار می‌گیرند.

«تن»ها در برابر «تانک»ها

داستان «تنگه ابوقریب» یک داستان واقعی است. داستان رشادت شیرمردانِ گردان عمار که تقریباً با دست خالی و با لب‌های تشنه در برابر تانک‌های بی‌شمار بعثی ایستادگی کردند و تا آخرین نفر به شهادت رسیدند. شهادت آن‌ها اما ثمره بزرگی داشت و آن هم نجات اندیمشک، دزفول و به تبع آن، کل خوزستان بود. این جوانان عاشق، از همه‌چیز گذشتند تا در دل جهنمی تمام عیار از آتش و خون و انفجار، «تنگه ابوقریب» را که راه ورود لشکر بعث به شرهانی و فکه و سپس به کل استان خوزستان بود، ببندند.

از دست رفتن تنگه ابوقریب مساوی بود با از دست رفتن خوزستان چرا که صدام تمام توان نظامی خود را در آخرین روزهای جنگ برای ورود به خوزستان و گرفتن امتیاز بیشتر قبل از قطعنامه، بسیج کرد و اینجا بود که رشادت و حماسه‌آفرینی شیربچه‌های گردان عمار از لشکر محمد رسول‌الله تهران، معادله روزهای واپسین جنگ را به نفع ایران عوض کرد و صدام یک هفته بعد مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل شد بدون اینکه به هدف خود از آخرین حمله سنگین به خوزستان دست یافته باشد.

تنگه ابوقریب را از دست ندهید!

داستان فیلم «تنگه ابوقریب» ساده و سرراست و کاملاً باورپذیر است. خالصانه و بدون هیچ‌گونه آگراندیسمان و بزرگنمایی سینمایی. داستان جوانانی که باید دست‌ها و پیشانی‌های خون‌آلودشان را از ورای برگ‌های تاریخ بوسید که امروز هرچه داریم از استقلال و امنیت و سربلندی، حاصل جانفشانیِ مردانه آن‌هاست. دیدن فیلم «تنگه ابوقریب» را به همه پیران عاشق خاطرات آن روزگار و جوانان عاشق مردانگی و حماسه‌های واقعی، توصیه می‌کنم و به عوامل ساخت این فیلم ماندگار، دست‌مریزاد می‌گویم.

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۷
۲۹ ذی‌القعده ۱۴۳۹ | ۱۲ آگوست ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۷۵۶

باور می‌کنید؟

شهر اجنه در اردن!

ایستگاه| معروف‌ترین‌اثر باستانی اردن شهری است به نام«پترا» که در سال ۱۸۱۲ میلادی، توسط یک جهانگرد سوئیسی کشف شد و حالا بعد از گذشت حدود ۲۰۰ سال این شهر به یکی از مراکز مهم توریستی جهان تبدیل شده است. شاید باورتان نشود اما کتیبه‌های باستانی، مجسمه‌های بزرگ، آرامگاه‌های باشکوه، صدها ساختمان، آمفی تئاترهای چندهزار نفری و...ای در این شهر وجود دارد که بیش از ۲۰۰۰ سال پیش در دل یک دره و داخل صخره‌های بزرگ، ساخته شده اند!

سازندگان و ساکنان اولیه این‌شهر مشخص نیستند، اما اردنی‌ها می‌گویند موجودات فضایی و فرا زمینی این شهر سنگی و صخره‌ای را ساخته‌اند! خیلی از باستان شناسان هم معتقدند در زمان‌های قدیم «جن‌ها» در بالا بردن این بنا به‌انسان‌ها کمک کرده‌اند! عده دیگری هم می‌گویند: اگر این فرضیه درست‌باشد، پس فراعنه هم با کمک اجنه و موجودات‌فضایی اهرام خود را بنا کرده اند! بیشتر ساکنان اردن و باستان شناسان می‌گویند: تاریخچه این شهر بسیار بیشتر از ۲۰۰۰ سال است و حتی به پیش از میلاد بر می‌گردد و طبق اسناد تاریخی، «کمبوجیه» شاه بابل پسر ارشد کورش بزرگ در سال ۵۳۰ قبل از میلاد بعد از اینکه پدرش کشته شد، هنگامی که برای لشکرکشی و حمله به مصر راهی جنگ می‌شد، از شهر سنگی عبور کرد و آنجا را مرکز آثارباستانی جهان نامید. خسرو، پادشاه ایران، هم بعد از حمله به خاک‌روم و تصرف «انطاکیه»، شهر سنگی پترا را تصرف کرد و به این ترتیب تا مدت زیادی شهر پترا متعلق به ایران بود. یکی از مکان‌های اعجاب آور این شهر، قصرالبنت است که به‌عقیده محلی‌ها، به هیچ وجه نمی‌تواند ساخته دست بشر باشد و موجودات فرازمینی در ساخت آن نقش داشته‌اند و حتی سالیان سال در این قصر زندگی می‌کرده‌اند اما با کشف شدن این شهر توسط انسان‌ها، بدون جا گذاشتن اثری از خودشان، آنجا را ترک کرده و از زمین رفته‌اند!

بسیاری از توریست هایی که از این شهر بازدید کرده‌اند هم می‌گویند: شب‌ها، این منطقه پر از اجنه است و ما صدای آنان را می‌شنویم! به همین دلیل از توریست‌ها خواسته شده شب‌ها به هیچ وجه از شهر پترا بازدید نکنند و در روز هم فقط به صورت گروهی به تماشای این شاهکار تاریخی بروند! ماجرای حضور اجنه آن قدر جدی شده که خیلی‌ها به پترا می‌گویند «شهر اجنه». پس اگر گذرتان به اردن افتاد و خواستید از پترا بازدید کنید یادتان باشد به هیچ عنوان تنها به آن جا نروید!

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

گیرافتاده در گذشته

هفته‌نامه «اکونومیست» در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی به انتقاد از سیستم قدیمی و از کار افتاده مالیات در جهان می‌پردازد. این نشریه با انتخاب تیتر «گیرافتاده در گذشته» معتقد است که وقت آن رسیده که برای قرن ۲۱ از سیستم مالیات به گونه‌ای بهتر استفاده کنیم و به برخی افراد و گروه‌ها اجازه دور زدن و سوءاستفاده از آن را ندهیم. این مجله همچنین در مقاله‌ای به انتخابات پیش روی برزیل پرداخته و آن را با نگاه به اتفاقات اخیر سیاسی در این کشور، خطرناک ارزیابی می‌کند.

حقایق فرعون ها

ماهنامه «آرکیالوژی» (باستان‌شناسی) در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی، حقایق جالب و جدیدی از فراعنه مصر را منتشر کرده و تمرکز اصلی خود را بر فراعنه‌ای که در طول تاریخ مصر باستان بر این کشور حکمرانی کردند در حالی که اصلیت آن‌ها مربوط به آن منطقه نبوده گذاشته است. این نشریه تقویم مقدس در مکزیک باستان و همین طور تاریخ فرهنگ قهوه‌خانه در بریتانیا را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

بازی طولانی اسپایک لی

هفته‌نامه «تایم» چاپ آمریکا با انتخاب عکسی جسورانه از اسپایک لی کارگردان مطرح هالیوود، فیلم پر سر و صدا و ضدنژادپرستی او با عنوان «blackkklansman» را زیر ذره بین برده است. این نشریه در گزارش خود با عنوان «بازی طولانی اسپایک لی» اهمیت اجتماعی این فیلم که داستان کارآگاهی سیاه پوست را روایت می‌کند که به داخل گروه نژادپرست «کو کلاکس کلان» نفوذ کرده، بسیار جدی ارزیابی می‌کند؛ فیلمی که جایزه بزرگ جشنواره کن را نیز به خود اختصاص داده است.

گزارش از شخص

خانم شکنجه گر

«جینا هاسپل» چگونه رئیس سازمان «سیا» شد؟

ایستگاه/ مجید تربت زاده| از مدت‌ها پیش مورد توجه رئیس جمهور آمریکا بود. «جینا هاسپل» به عنوان یک زن آنقدر برای «ترامپ» جذابیت داشت که حاضر شود از او و ریاستش دفاع کند... عجله نکنید... ذهنتان هم به دلیل سابقه بدِ «ترامپ» در رفتار با زنان یا توجه به جذابیت‌های آنان، سراغ مواردی چون بازیگر فیلم‌های ناجور یعنی «استورمی دانیلز» و زنان دیگری که از اشتهای سیری ناپذیر رئیس جمهور آمریکا حرف زده‌اند نرود. جذابیتِ خانم «هاسپل » حتی از نوع سیاسی نیست. رئیس فعلی سازمان «سیا» در واقع یک کهنه سرباز اطلاعاتی - امنیتی و متخصص شکنجه به شمار می‌رفت و همین ویژگی‌هایش از مدت‌ها قبل، چشم رئیس جمهور آمریکا را گرفته بود. خبر گزاری‌ها، روز گذشته از اسناد جدیدی نوشتند که یک نهاد غیر دولتی - آرشیو اسناد ملی آمریکا- مستقر در دانشگاه «جورج تاون» از آن‌ها رونمایی کرده و ابعاد جدیدی از هنر و تخصص خانم «هاسپل» در شکنجه را به نمایش گذاشته است.

مثلاً زندگینامه!

«جینا شری هاسپل» ۶۲ ساله در واقع یک افسر اطلاعاتی کهنه کار است که سابقه سی و چند سال کار در «سیا» را دارد. توقع نداشته باشید تلاش ما برای پیدا کردن اطلاعات از زندگی شخصی یک نیروی ارشد اطلاعاتی که لابد در بیشتر مواقع با نام مستعار و پوشش اطلاعاتی در گوشه و کنار دنیا به کار مشغول بوده، به جایی رسیده باشد. خانم «هاسپل» اگر پرونده و رزومه‌ای که برایش نوشته باشند، واقعی باشد، زاده ایالت «کنتاکی» و فرزند یک افسر نیروی هوایی آمریکاست. مدتی در دانشگاه زادگاهش درس خوانده، بعد به دانشگاهی دیگر منتقل شده و در سوابق شغلی‌اش نوشته شده است که در ۲۲ سالگی و در «ماساچوست» با لیسانس روزنامه نگاری «در سازمان یا شرکتی نامعلوم» به کار مشغول بوده است! چهار سال بعد نام او در فهرست کارمندان یک کتابخانه دیده می‌شود در حالی که برای استخدام، یک گواهینامه حقوقی یا مدرک جدید دانشگاهی از دانشگاهی دیگر را ارائه داده است!

افسر زبده اطلاعاتی

نه تنها آن‌هایی که اهل مسائل امنیتی و اطلاعاتی هستند بلکه حتی من و شما هم می‌دانیم که نمی‌شود«سیا» بدون هیچ مقدمه و پیشینه‌ای، سال ۱۹۸۵، به خانم «هاسپل» علاقه‌مند شده و او را به صورت رسمی به عنوان افسر اطلاعاتی استخدام کرده باشد.

جذابیت‌های فردی و رفتاری و ویژگی هایی که مجوز استخدام او شده، بدون شک جزو اسرار محرمانه «سیا» به حساب می‌آید اما با توجه به مراحل رشد و ترقی «هاسپل» در این سازمان و مسئولیت‌هایی که بعدها به عهده می‌گیرد، می‌توان حدس زد که افسر زبده اطلاعاتی چرا و چطور به «سیا» راه پیدا می‌کند.

او دو سال پس از استخدام به اتیوپی اعزام می‌شود، مدتی هم رئیس واحد اطلاعاتی مستقر در ترکیه است، چند سالی در کشورهای اروپایی (بازهم نمی‌دانیم بجز انگلستان کدام کشورها مورد نظر است) به فعالیت مشغول است. سابقه ریاست یک پایگاه در «باکو» را هم دارد و روی هم رفته همه شهرت و اعتبار اولیه‌اش از سال ۲۰۰۱ به بعد به خاطر فعالیت در واحدی است که «سیا» نام آن را «مرکز مبارزه با تروریسم» گذاشته است.

چشم گربه

مرکز مبارزه با تروریسم قرار بود روی نیروهای عضو «القاعده» متمرکز باشد. منظور از تمرکز این است که «سیا» به واحد مورد نظر، خانم «هاسپل» و همکارانش اجازه می‌داد هرکس را که در هر نقطه جهان، مشکوک به همکاری با «القاعده» یافته بود و به هر شکل ممکن او را به حرف بیاورند! افسر کارکشته «سیا» در آن روزها ۴۵ سال سن و ۱۶ سال سابقه کارِ رسمی داشت و به عنوان معاون «مرکز مبارزه با تروریسم» به فعالیت کاملاً سرّی مشغول بود.

یک سال پس از آن و بر اساس وظایف سازمانی، پای او به ماجرای «چشم گربه» کشیده شد. «سیا» در کشورهای مختلف، زندان‌هایی مخفیانه را به نام «بلاک سایت» برپا و اداره می‌کرد که در آن‌ها زندانیان مشکوک به همکاری با تروریست‌های القاعده نگهداری و با روش‌های عجیب و غریب شکنجه می‌شدند.

در این پروژه که به نام «چشم گربه» معروف بود، خانم «هاسپل» در سال ۲۰۰۲ مسئول یک زندان مخفی در کشور تایلند بود.

غرق مصنوعی و پِرس دیوار!

البته این را هم اضافه کنیم که خانم «هاسپل» از دیدگاه خودش و «سیا» به عنوان یک متخصص و در یک پروژه کاملاً علمی و تحقیقاتی مشغول به کار بود! آن‌ها در این پروژه تلاش داشتند با آزمایش کردن انواع روش‌های شکنجه روی افراد بازداشت شده، میزان اثرگذاری هر یک را بر فرد شکنجه شده و اعترافاتش مشخص کنند! در اسنادی که سال گذشته از حالت محرمانه خارج و منتشر شدند به انواع این شکنجه‌ها از جمله «غرق مصنوعی»، «بی خوابی»، «پِرس دیوار» و... اشاره شده است.

شیوه غرق مصنوعی که صورت قربانی با حوله خیس پوشانده شده و دائم روی حوله آب ریخته می‌شود، می‌تواند ضمن ایجاد حالت خفگی منجر به ضایعات مغزی شدید و آسیب جدی به ریه‌ها شود.

فقط در یک مورد از اسناد منتشر شده آمده است: «به دستور هاسپل، «ابوزبیده» که در ۸۳ نوبت در یک ماه با شیوه «غرق مصنوعی» شکنجه شد. بارها به مدت چند روز متوالی او را بی‌خواب نگه داشتند و به خاطر قرار دادن او در یک «محفظه تنگ» به مدت طولانی، در حالی که سرش به دلیل تنگی این محفظه با دیوار در تماس بود، چشم چپ خود را از دست داد.

در نهایت طبق همین گزارش‌های داخلی، بازجویان سیا تأیید کردند که او اطلاعات به درد بخوری در اختیار نداشته است»!

تاریک‌ترین دوران آمریکا

خانم «هاسپل» بی‌فاصله و پس از بازگشت از تایلند، نامزد ریاست سازمان«سیا» نشد. او تا مدت‌ها در پست‌های بالای اطلاعاتی مشغول به کار شد تا اینکه با روی کار آمدن دولت «ترامپ» و انتخاب «پمپئو» به ریاست «سیا» به عنوان معاون این سازمان کار خود را آغاز کرد. تا پیش از اینکه «ترامپ» تصمیم بگیرد «پمپئو» را به وزارت خارجه ببرد، حرف و حدیث چندانی درباره «هاسپل» وجود نداشت و حتی می‌توان گفت فرد مشهوری به شمار نمی‌رفت. اما وقتی رئیس جمهور اعلام کرد تصمیم دارد برای نخستین بار یک زن را به بالاترین مقام امنیتی منصوب کند، اعتراض‌ها و افشاگری‌ها درباره «هاسپل» آغاز شد. شهرت او به عنوان «خانم شکنجه گر» مربوط به همین دوران است که سناتورها و شخصیت‌های سیاسی بسیاری در آمریکا بخش هایی از سوابق شکنجه گری او را از حالت محرمانه خارج کردند.

سناتور ارشد آمریکایی «مک کین» با انتقاد از انتخاب «هاسپل» برای ریاست سیا گفت: «... او در یکی از تاریک‌ترین فصل‌های تاریخ آمریکا نقش داشته است... هاسپل باید ماهیت و میزان مشارکتی را که در بازجویی‌ها داشته به سنا توضیح دهد...گزینه ریاست سیا باید بدون قید و شرط تعهد بدهد قوانین منع شکنجه را اجرا کند».

قول می‌دهم که...

سیل اعتراض‌ها که به راه افتاد، افشاگری‌ها نیز شدت گرفت. حتی «خوزه رودریگز» رئیس بخش مبارزه با تروریسم در خاطراتش از رفتار و اعمال «هاسپل» نوشت و اینکه تلاش کرده است صدها نوار مربوط به جلسات شکنجه را به شکلی از بین ببرد.

۱۱۵ دیپلمات آمریکایی در نامه‌ای به سنا از نمایندگان خواستند صلاحیت «هاسپل» را برای ریاست سازمان «سیا» تأیید نکنند. برخی از آن‌ها هم قسم شده بودند هر طور هست جلوی این انتصاب را بگیرند.

در مقابل همه این‌ها «ترامپ» در سخنرانی هایش بدون اینکه سوابق سیاه گزینه مورد نظر را به روی مبارک بیاورد، از شایستگی و لیاقت «هاسپل» و همکاری مناسبش با رئیس سابق سیا حرف می‌زد! خانم اطلاعاتی - امنیتی هم گاه و بیگاه که فرصت پیدا کرد گفت: «من درک می‌کنم که چرا بسیاری از مردم در کشور خواهان آگاهی پیدا کردن درباره من و دیدگاه‌هایم در مورد برنامه بازجویی و بازداشت‌های سابق سیا هستند... تعهد می‌دهم در دوران رهبری من، سازمان سیا یک چنین برنامه بازجویی و بازداشتی را دوباره آغاز نخواهد کرد».

خانم رئیس فراموش کرده بود که قولش بر خلاف وعده‌های چند ماه پیش ترامپ است که گفته بود: برای مبارزه با تروریسم دستور داده‌ام از روش‌های متنوع شکنجه استفاده شود!

با ایران مقابله می‌کنم!

کار تا جایی پیش رفت که تحلیلگران سیاسی، در گمانه‌زنی هایشان از امکان انصراف «هاسپل» نوشتند. از دیدگاه آن‌ها مخالفت‌ها آن قدر زیاد و سابقه خانم شکنجه‌گر آن‌قدر سیاه بود که شانسی برای موافقت سناتورها با ریاست او وجود نداشت. با این وجود ۲۸ اردیبهشت همین امسال خبرگزاری‌ها از موافقت «سنا» با ریاست «هاسپل» بر «سیا» خبر دادند.

رئیس جدید در جلسه بررسی صلاحیتش به سناتورها گفته بود: «آمریکایی‌ها حق‌شان است که از خدمات و تلاش‌های بیشتر «سیا» بهره‌مند شوند... بویژه هنگامی که از مقابله با تهدیدات کره شمالی، ایران، روسیه و چین صحبتی در میان باشد...من تضمین می‌کنم که در صورت به دست آوردن رأی سناتورها برای احراز این پست، نهایت تلاش خود را برای مقابله با تهدیدهای ایران به کار خواهم گرفت»!

طرح روز

فارس/ بهروز فیروزی

تلنگر

حقوق بشر در باد می‌رقصد

ایستگاه / رقیه توسلی | چه اشکالی دارد به جمالِ اقسامِ لابی‌های قدرت، چشم‌مان روشن شود و دست‌های پشت پرده، گاهی هم «شخصِ ما» را بچزانند...؟ با چند سیلی و نیشگون ناقابل...!

هیچ... بزرگ می‌شویم... روی پوست نازکمان، پوست می‌روید... چند تَرَک مویی تازه برمی دارد قلبمان و جهان واقعی را در نقاشی‌ها استادانه‌تر ترسیم می‌کنیم.

* چه اشکالی دارد که ملانیا ترامپ با لباس ۶۰۰۰ دلاری و عینک آفتابی‌اش به باغبانی برود و تظاهر کند دوستدار گل و گیاه است؟

هیچ... خودش را پرت می‌کند وسط ادبیات عصبی کاربران آمریکا و چند قاره دیگر که به ظاهر و باطنش بخندند... میلیون‌ها لایک برگردان بگیرد و شاید هم که پرزیدنتش را به سخنرانی تحریمی دیگر تحریک کند.

* چه اشکالی دارد اصلاً اگر مسافر تاکسی باشی که خانم کناری با سگ تقریباً ترسناکش ۱۰ دقیقه زجرکُشت کند؟

هیچ... فقط کمی بیشتر از هرروز می‌بینی حقوق بشرت در باد می‌رقصد... و صد البته یادت می‌ماند دفعه بعد که همنشینت، مسافرِ بی حیوانی بود توی دلت کله قند آب کنی.

* اصلاً چه اشکالی دارد دستمزد تعمیر چهار دندان خراب، وادارت کند که با عزت نفس دوبل، یکی شان را که از همه سِرتق‌تر و جنگجوتر است جداکنی، بدهی دمِ مته دندانپزشک و سه تای دیگر را بگذاری به حال خودشان تا کله پوک‌تر شوند؟

هیچ... یک تکه افسردگی شرفیاب خواهد شد به علاوه ناله‌هایی که حتماً با یک لیوان دمنوش گل گاوزبان به خواب می‌روند.

* چه اشکالی دارد که ۲۱۰ مدیر کشور، دوتابعیتی باشند و ده‌ها نفرشان مشغول خدمت در کرسی‌های حساس؟ گیریم دختر و پسرهایشان هم یک توک پا قدم رنجه کرده باشند به ممالک مترقی جهت تحصیل و تعویض آب و هوا و ایضاً زندگانی؟

هیچ... کمی رخت و لباس شان عطر خارجی می‌گیرد و زبان شان و مدل لبخند شهروندی شان... بالاخره خاوری، نام خانوادگی پُرفلسفه‌ای است.

بالاخره که چه...؟ همه عمر را که نمی‌شود جنگید...! باید غم‌ها را مدیریت کرد و تسکین بخشید دردهای کوچک و بزرگ را... مثلاً فکر انتقام از دست‌های نامرئی پشت پرده را از سر بیرون کرد... آنچنان که من کردم... اگرچه آن‌ها دیر زمانی است متخصص تخریب و حق‌کشی و حمله و غارت و دل کشتن‌اند.

مجاز آباد

عبور از تنگه تحریم ها

ایستگاه / فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» که شش سیمرغ بلورین جشنواره فجر را به نام خود کرد، از چهارشنبه هفته گذشته در سینماها اکران شده است. این فیلم روایتی از دفاع گردان عمار در برابر لشکرکشی نیروهای بعثی است. امیر عبداللهیان دستیار ویژه رئیس مجلس با انتشار توییتی در حساب کاربری‌اش از تجربه تماشای این فیلم در کنار خانواده نوشت. عبداللهیان در توییترش نوشت: «امروز به همراه خانواده به تماشای فیلم تنگه ابوقریب در سینما نشستیم. یاد و خاطره دلیر مردان و شیر زنان دوران دفاع مقدس گرامی باد. دولت، مجلس و دستگاه قضا تنها با این روحیه می توانند با قدرت کشور را از تنگه تحریم و جنگ اقتصادی دشمن عبور دهند».

بدون فیسبوک و اینستاگرام

ایستگاه / این روزها تصویری از یک خودرو در آمریکا در فضای مجازی در حال دست به دست شدن است که تعداد حامیان پیامبر اسلام را به رخ جهانیان می‌کشد! در تصویر منتشر شده، کلماتی به زبان انگلیسی روی شیشه عقب خودرویی نوشته شده که تعداد دنبال کنندگان شبکه‌های مجازی را با تعداد پیروان پیامبر اسلام مقایسه می‌کند. معنای جملات پشت این خودرو به شرح زیر است: «بدون فیسبوک. بدون اینستاگرام. بدون توییتر. بدون واتساپ. اما دنبال کنندگانش ۱/۸ میلیارد نفر! او پیامبر محمد(ص) است». بسیاری از کاربران فضای مجازی این متن کوتاه را که پشت یک خودروی آمریکایی نوشته است، نشان از توسعه اسلام در کشورهای غربی می‌دانند.

بنی آدم اعضای یکدیگر نیستند!

ایستگاه / چندروز پیش با حمله جنگنده‌های سعودی به یک اتوبوس حامل دانش‌آموزان یمنی و یک بازار در این کشور، ۵۰ تن شهید و نزدیک به ۷۰ نفر زخمی شدند. تصاویر منتشر شده پس از حمله جنگنده‌های سعودی به یمن نشان می‌دهد بسیاری از قربانیان کودکانی هستند که به شکل دلخراشی به شهادت رسیده‌اند. کاربران فضای مجازی در میان سکوت رسانه‌های جهان با داغ کردن هشتگ#یمن به حمایت کودکان یمنی پرداخته‌اند که برخی از واکنش‌ها را می‌خوانید: «شاید بنی آدم اعضای یک دیگر نیستند! مگر کودک از جنگ چه می‌داند؟... در جغرافیایی که حتی پروانه‌ها هم از کودکان بیشتر عمر می‌کنند شما بگویید من چه شعری بنویسم؟»